

ایینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۷

۲۱۷

دوماهنامه
ایینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.37, No.1 Apr - May 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

217

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

امید هادیان برسیانی | محمد دهقانی اراکی | جویا جهانبخش | امید حسینی نژاد | مجید جلیسه
نذیر احمد / شیوا امیرهدایی | حیدر عیوضی | آریا طبیب زاده | امیرحسن خورش
سیدضیاء مرتضوی | محمد غلامی | حمید عطائی نظری
علی ایمانی ایمنی | سعید مهدوی فر | رسول جعفریان

وقتی ترجمه تاریخ می سازد | نامه ای نویافته از آیت الله شبیری زنجانی به استاد مینوی در سال ۱۳۳۷
«کَالشَّمْسِ فِي رَابِعَةِ النَّهَارِ» | خراسانیات (۸) | چاپ نوشت (۲۳) |
مطالعات زبان و ادب فارسی در شبه قاره (۲) | آینه های شکسته (۱۳)
«سبک پشت» بی سنگ | ارزیابی اعتبار کتاب مزار عبدالله اصم
امامت و ولایت در محقق ترجمه ای جدید از قرآن کریم | معرفی و بررسی تصحیح تازه تنبیه الغافلین
«چون هَدَيَانِ مَحْمُومٌ نامفهوم»

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: محمد بن عمر واقدی (۱۳۰-۲۰۷ق)



پرتال
دوماهنامه
ایینه پژوهش
Jap.isca.ac.ir

خراسانیات (۸)

ستایش نامه‌ای برای حکیم توس: روایتی از چگونگی شکل‌گیری و برگزاری کنگره هزاره فردوسی که به نقطه عطف مطالعات شاهنامه بدل شد

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران | امید حسینی نژاد

| ۴۵ - ۸۲ |

۴۵

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

چکیده: سال ۱۳۱۳ خورشیدی، کشور ایران به‌ویژه خراسان بزرگ میزبان عده‌ای از بزرگ‌ترین شاهنامه‌پژوهان جهان بود؛ ادیبانی از جای جای عالم به خراسان قدم نهادند تا پس از هزارسال، بی‌مهری سلطان محمود غزنوی در حق فردوسی توسی را جبران کنند. از سال ۱۳۰۱ خورشیدی مقدمات ساخت بنای جدید آرامگاه فردوسی فراهم شده بود و برخی از رجال حکومتی به دنبال آن بودند تا با فراهم کردن بودجه آن به این امر مهم جامه عمل بپوشانند. همین امر سبب شد تا پس از گذشت ده‌سال واندی، درنهایت کنگره‌ای به مناسبت افتتاح بنای جدید آرامگاه فردوسی توسی در تهران و مشهد برگزار شود و شاهنامه‌پژوهان دنیا به این دیار سفر کنند و درباره زوایای گوناگون این اثر سترگ پژوهش کنند. این مقاله روایتی از برگزاری این کنگره با تکیه بر اسناد و مطبوعات آن زمان است.

کلیدواژه‌ها: فردوسی، شاهنامه، هزاره فردوسی، مشهد.

A Tribute to the Sage of Tūs: An Account of the Formation and Proceedings of the Ferdowsi Millenary Congress, a Turning Point in Shāhnāma Studies

Omid Husseini-Nezhad

Abstract: In 1934 (1313 Sh.), Iran—and particularly the region of Greater Khurāsān—hosted a distinguished gathering of some of the world's foremost scholars of the *Shāhnāma*. Literary figures and researchers from various countries traveled to Khurāsān to commemorate the millenary of Ferdawsi and, symbolically, to redress the neglect and ingratitude that, according to tradition, Sulṭān Maḥmūd of Ghazna had shown toward the poet a millennium earlier. Preparations for the construction of a new mausoleum for Ferdawsi had begun as early as 1922 (1301 Sh.), when a number of government officials sought to secure the necessary funding for the project. After more than a decade of planning and effort, a congress was finally organized in both Tehran and Mashhad to coincide with the inauguration of the new mausoleum. The event brought together leading scholars of the *Shāhnāma* from around the world, who presented research on various aspects of this monumental work and contributed significantly to the advancement of Ferdawsi studies. Drawing upon contemporary documents and periodical sources, this article reconstructs the organization and proceedings of the congress and examines its enduring impact on the development of *Shāhnāma* scholarship.

Keywords: Ferdawsi, *Shāhnāma*, Ferdawsi Millenary, Mashhad.

در زمان حکومت آصف الدوله شیرازی - والی ناصرالدین شاه قاجار بر خراسان - عده ای از مستشرقان و باستان شناسان فرانسوی وارد توس شدند. یکی از دغدغه‌های آنها، تعیین محل دقیق قبر فردوسی بزرگ بود. آنها براساس گزارش‌های تاریخی، تشخیص دادند که تپه برآمده وسط باغ قائم مقام، جایگاه مقبره فردوسی است. آصف الدوله دو اتاق خشتی و گلی برای آنجا ساخت تا مشخص شود این مکان محل قبر فردوسی است؛ اما بعد از مدت‌ها همین دیوارها هم خراب شد.

ماجرای پرقصه و غصه مقبره فردوسی خود داستانی مفصل و درازدامن دارد. بر اساس گزارش‌های تاریخی در دوره‌های مختلف مکان قبر فردوسی مشخص بوده است. کهن‌ترین گزارش از محل دفن فردوسی را نظامی در چهار مقاله نوشته است. او پس از گزارش ماجرای عرضه شاهنامه به سلطان محمود و رد او از سوی پادشاه غزنوی، در نهایت ماجرای پشیمانی سلطان محمود از طرد فردوسی را نقل می‌کند و می‌نویسد: «و آن نیل به سلامت به شهر طابران رسید. از دروازه رودبار اشتر در می‌شد و جنازه فردوسی به دروازه رزان بیرون همی‌بردند. در آن حال مذکوری بود در طبران تعصب کرد و گفت: من رها نکنم تا جنازه او در گورستان مسلمانان برند که او رافضی بود! و هر چند مردمان بگفتند با آن دانشمند درنگرفت. درون دروازه باغی بود ملک فردوسی. او را در آن باغ دفن کردند. امروز هم در آنجاست و من در سنه عشر و خمس مائة آن خاک را زیارت کردم».

براساس این گزارش، بیکر فردوسی در باغ شخصی خود دفن شده است و ده‌ها سال بعد نظامی در سال ۵۱۰ قمری قبر او را زیارت کرده است. در دوره‌های بعد گزارش‌های دقیقی از وضعیت مقبره فردوسی در دست نیست؛ اما بر این اساس که برخی به گمان خود بنای هارونیه را مقبره فردوسی می‌دانستند، می‌توان چنین فهمید که مکان قبر فردوسی در برهه‌ای از زمان مشخص نبوده است. در زمان آصف الدوله شیرازی و به همت برخی از مستشرقان فرانسوی، مکان دقیق قبر فردوسی مشخص شد و والی خراسان نیز دیواری بر مقبره فردوسی ساخت.

ملک الشعراى بهار و دغدغه‌هایش برای فردوسی

شاید بتوان گفت نخستین کسی که اهتمام ویژه‌ای برای مشخص کردن مقبره فردوسی و ساخت بنایی در شأن او داشت، محمدتقی بهار بود. او با نوشتن سه یادداشت، پیشنهادهایی به مسئولان دولتی برای این امر داد. او نخست سرمقاله‌ای در شماره ۲۸ مجله خودش یعنی «نوبهار» در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۰۲ با عنوان «قبر فردوسی» نوشت. او در ابتدای نوشته‌اش از جایگاه بلند فردوسی و همت بلند او در سرودن شاهنامه آن هم در دوره‌ای که عربی نویسی جزئی از اندیشه دانشمندان آن دوره بود، چنین نوشت:

«مؤیدی بلخی، دقیقی، عنصری و غیره اشعاری گفتند و به پایه مراد وذروه مقصود نرسانیدند؛ ولی فردوسی بدون امر و اشاره کسی و فقط به میل و رغبت خود، غیرت آورده و در دهکده‌ای از دهات شهر کوچک طوس مجلداتی ضخیم از شاهنامه را به نظم درکشیده و یک باره با قدرت و قوت روحی خود پرده استتار از روی عظمت و جلال پدران بزرگوار خویش برگرفت». در ادامه می‌نویسد: «فردوسی استخوان بازوی ایرانیان را قوی ساخت و قلب مردم پارسی زبان را فراخ و سینه‌های آنان را پهن و قدم‌های آنان را در راه مردی و مردانگی و رشادت و غیرت استوار و ثابت ساخت». این توصیف‌های بهار همه مقدمه‌ای برای اشاره به مقصودی مهم در نظر او بود؛ یعنی وضعیت اسفبار و ناراحت‌کننده مزار فردوسی در سال ۱۳۰۲ خورشیدی. او این وضعیت را چنین توصیف می‌کند: «شهر طوس که آخرین جایگاه فردوسی بوده است، اکنون خراب و عبارت از یک صحرايي است که در آن زراعت کرده و گاهی صدای نی لبك چوپان و بعبع گوسفندان بزه‌دار از آن وادی شنیده می‌شود. فقط يك برج آجری، يك بدنه دیوار خراب، يك مسجد ویرانه و يك سکوی بی‌سقف و حایط به نام قبر فردوسی در آن پهن وادی اینجا و آنجا به نظر می‌رسد که مأوای جغد و موش و پناهگاه روباه و خرگوش است».

با توجه به این نوشته بهار، می‌توان چنین فهمید که در آن زمان حتی آن دیوارهایی که آصف‌الدوله شیرازی به دور مقبره فردوسی کشید، از بین رفته بود و مکان دقیق قبر او مشخص نبوده است. بهار در ادامه روی سخن را خطاب به حکومت وقت برمی‌گرداند و می‌نویسد: «آیا دولتی که در سال چندین هزار تومان در بهای روشنایی مقابر صرف می‌کند، نمی‌تواند چند هزار تومان به مصرف عمارت مقبره این پدر احیاکننده وطن برساند؟ آیا اشتباه کرده‌ام که این دولت و این اساس پادشاهی و دربار و آداب و رسوم و زبان و احساسات نژادی از آثار غیرت و فداکاری فردوسی است؟ اگر اشتباه نکرده‌ام؛ پس چرا ایرانی نجیب این غفلت خود را جبران نمی‌کند. آیا منتظریم که فرنگی‌ها آمده قبر فردوسی را بسازند؟»

چندماه پیش از نوشتن این یادداشت، «انجمن آثار ملی» در یکی از روزهای پاییز سال ۱۳۰۱ خورشیدی با همت برخی از فضلا و ایران‌دوستان و نمایندگان حکومت وقت تأسیس شد. نخستین دغدغه این گروه، ساخت مزار فردوسی در توس بود. شاهد این ماجرا را می‌توان در خاطرات عیسی صدیق دید. او درباره دغدغه آنها چنین می‌نویسد: «انجمن آثار ملی در ۱۳۰۱ خورشیدی به همت عده‌ای از میهن پرستان دانشمند به وجود آمد. نخستین بار که من از وجود آن آگاه شدم، وقتی بود که سردار معظم خراسانی، عبدالحسین تیمورتاش نماینده مجلس شورای ملی مرا به خانه خود به باغ نیرالدوله جد همسر خویش واقع در ضلع شمالی خیابان ژاله

دعوت کرد رجالی که در خانه تیمورتاش جمع بودند، تا آنجا که در خاطرمان مانده، عبارت بودند از حسن مستوفی الممالک، حسن پیرنیا مشیرالدوله، محمدعلی فروغی ذکاءالملک، حسن اسفندیاری محتشم السلطنه، ابراهیم حکیمی حکیم الملک، حاج سیدنصر الله تقوی، نصرت الدوله فیروز و کیخسرو شاهرخ. انجمن آثار ملی از من خواست که برای ساختن آرامگاه فردوسی در جمع‌آوری اعانه کمک کنم» (یادگار عمر، ج ۲، ص ۲۰۱).

محمدتقی بهار یک هفته بعد در شماره ۲۹ «نوبهار» به بهانه اهانت «یکی از مطبوعات متکی به اجانب» به مقام فردوسی، دوباره در سرمقاله این نشریه اندیشه‌های خود را برای ساخت مقبره فردوسی تکرار کرد. از نوشته بهار چنین برداشت می‌شود که آن مجله هتاک وقتی متوجه همت حکومت رضاخان برای ساخت مقبره فردوسی شده بود، در مجله خود عنوان کرده که «نباید آقای سردار سپه قبر فردوسی را بسازد؛ سردار سپه، شاعر نمی‌خواهد». بهار هم در پاسخ به هتاکی‌های آنان در مقام دفاع از مقام حکیم توس، قلم فرسایی کرد و داد سخن را به اوج رساند. او در بخشی از نوشته‌اش چنین می‌نویسد: «قبر فردوسی را دولت یا آقای سردار سپه می‌سازند یا اگر تهرانی‌ها با این قبیل اقدامات مفیده مخالف و میل ندارند، آقای سردار سپه بر حسب پیشنهاد ما به عمارت و آبادانی یک قبر محترم و مدفن یک شاعر که ملیت و شهامت نژادی و زبان ما مرهون خدمتگذاری اوست مبادرت ورزد. چنان‌که به قرار مسموع در جراید خود نوشته‌اند که "نباید آقای سردار سپه قبر فردوسی را بسازد! سردار سپه شاعر نمی‌خواهد". در این صورت ما اصرار نداریم این افتخار را به عهده بزرگان دیگر واگذار کنیم و می‌توانیم از رجال خراسان این تقاضا را بنماییم؛ زیرا عمارت قبر فردوسی یک خرج زیاد نداشته و به علاوه ما نگفته‌ایم آقای سردار سپه از خزانه قشون این مصرف را بفرماید، بلکه ما در نظر داریم که این مرد بزرگ خرج عمارت قبر یک مرد بزرگ تاریخی ما را از جیب فتوت خود بپردازد و این افتخار را که ممکن است دیگری برآید، محبوب‌ترین خدام ایران ر بوده و در پهلوی صیت و شهرت نظامی آقای سردار سپه یک شهرت و صیت ادبی و اخلاقی و تاریخی هم قرار گیرد».

اما بهار از تکرار دغدغه‌های خود خسته نشد و دوباره در ۲۷ شهریور ۱۳۰۴ خورشیدی و در شماره ۷ نشریه «قانون» که زیر نظر ملک‌خان مدیریت می‌شد، مقاله دیگری با تیتراژ «قبر فردوسی» نوشت؛ از جمله می‌نویسد: «نتیجه این شد که تلگرافاتی از طرف آقای رضاخان پهلوی به خراسان مخابره شده و مأمور لشکر خراسان نقشه خوبی برای ساختن قبر فردوسی برداشته و مخارج آن را به مبلغ بیست و پنج هزار تومان تخمین زده و به مرکز فرستاد. اکنون هم می‌شنوم که جمعی از آقایان برای این کار گرد آمده، می‌خواهند شروع مزبور را به یک جایی برسانند».

بهار آن روزها مطلع شده بود که انجمن آثار ملی تأسیس شده است و اعضای آن نیز برخی از فرزندگان ایرانی هستند و نخستین تصمیم آنها هم ساخت مقبره ای برای فردوسی است؛ با این وجود، او دل خوشی به پیگیری این دغدغه‌ها از سوی انجمن آثار ملی نداشت؛ اما امید به اجرای منویات آن لجنه در دل داشت و حس خود را چنین نوشت: «گرچه در ایران هر کاری به دست جماعت و کمیسیون و مجمع و نظایر آن افتاد، به حرف و هنگامه تنها برگزار شده و اصل مطلب از بین می‌رود؛ خاصه مطالبی که مستلزم مخارج و اقدام محلی باشد، ولی از فرط علاقه‌ای که به انجام این امر مهم و لازم داریم، این یکی را حلیه استشنا پوشانیده و مخصوصاً چون که آقایان محترم صاحب بضاعت و استطاعت هستند، بیشتر امیدوار می‌شویم که لااقل در عمل اگر مختصر احتیاجی به سرمایه که تنها گیر کار است پیدا شود، رفع محذور از طرف انجمن مزبور به سهولت میسر می‌گردد».

بهار تنها راه جامه عمل پوشیدن به این دغدغه را همت مردم و ایران دوستان می‌داند؛ زیرا معتقد است که دولت وقت ندارد و ملت هم قابل تحصیل مسئولیت نیست و انجام این نیت درست به گردن توانگران مملکت است و آنها باید بدون هیاهو کمر همت ببندند و پولی فراهم کنند تا این خدمت به انجام برسد.

همت ارباب کیخسرو برای حکیم توس

سال‌ها بعد و در سال ۱۳۰۵ خورشیدی، پس از نوشته‌های بهار برای ساخت مقبره فردوسی، انجمن آثار ملی ارباب کیخسرو شاهرخ را برای تعیین محل دقیق مزار فردوسی به خراسان فرستاد. ارباب کیخسرو در یادداشت‌های خود تلاش‌هایش برای این امر را ثبت و ضبط کرده است. او می‌نویسد: «نخستین قدمی که این انجمن برداشت، این بود که باید قبر حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر معروف ایرانی که ایران همیشه به او می‌بالد و اثری از آن نیست، پیدا و آباد کرد؛ لهذا مرا مأمور این کار کردند. ضمناً من به دفترداری و خزانه‌داری انجمن برگزیده شده بودم. ریاست آن با آقای فروغی بود. در همان سال ۱۳۰۵ حسب الامر مأموریت خراسان رفته، آقای (مدیرالملک) محمود جم والی آن وقت خراسان بودند، آقای شاهزاده امان‌اله میرزا جهانبانی، امیر لشکر و رئیس قشون آقای محمدولی اسدی متولی باشی و عده دیگر از سران ادارات دولتی را ملاقات کرده».

در همان روزها ارباب کیخسرو به توس رفت تا به کمک برخی از همراهان مزار فردوسی را بیابد. او تلاش‌هایش را این‌گونه توصیف می‌کند: «روزی با آن عده و جمعی دیگر از معارف خراسان به طوس رفته در باغ متعلق به آقای قائم‌مقام که معروف بود این باغ متعلق بفردوسی بوده، مشغول کاوش

شدیم ... فقط در یک طرف آن که تقریباً وصل به دیوار خرابه قریه موسوم به اسلامیه بود، قطعه زمین برآمده‌ای دیده شد که خشک و آثار دو قبر کوچک بر بالای آن و مقداری آجر شکسته ریخته و نزدیک این قطعه آثار دو اطاق خرابه‌ای بی سقف و خشتی نیز دیده می‌شد. در اثر تحقیقات از اشخاص باخبری که به همراه بودند، با استدلالات محقق گردید که همین قطعه برآمده جای مقبره فردوسی بوده است». او در ادامه می‌نویسد: «پرسش شد این دو قبر کوچک چیست؟ گفتند بچه‌های باغبان این باغ هستند؛ تقاضای بیل و کلنگ شد و وسط این قطعه قریب یک متر حفر شد در زیر آن آثار قبر پیدا و یقین حاصل گردید. لہذا این سفر را با همین تحقیقات به تهران برگشته، شرح را به انجمن آثار ملی عرضه داشتم، موجب مسرت و موافقت گردید. درصدد تهیه نقشه ساختمان برآمدند».

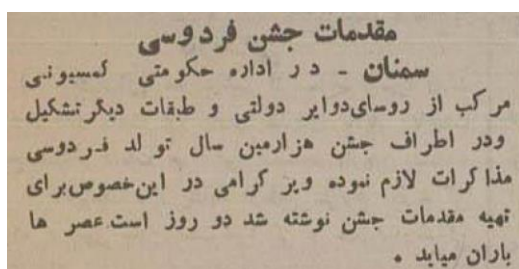
پس از گذشت سال‌ها و فرازونشیب‌های بسیار، درنهایت مزار فردوسی در سال ۱۳۱۳ خورشیدی ساخته شد؛ به همین بهانه نیز «کنگره هزاره فردوسی» در مهرماه همین سال در تهران و مشهد برگزار شد. روزنامه «اطلاعات» در آن زمان گزارش‌های دقیقی پیش از برگزاری کنگره تاروهای نهایی آن منتشر کرد.



اشخاص از چپ به راست: ۱. حاج محمدرضا مدیرالصنایع معمار باشی ۲. میرزا تقی خان درودیان مباشر مقبره فردوسی ۳. آقای اسدی نایب التولیه آستانه رضوی ۴. آقای فرخ رئیس محاسبات آستانه ۵. آقای ارباب کیخسرو شاهرخ ۶. رهنگ محمد رفیع خان رئیس نظمیہ ایالت خراسان ۷. آقای جم والی محترم ایالت خراسان ۸. آقای معتمد دفتر ۹. آقای خضرائی رئیس مباشرت آستانه ۱۰. میرزا حسین خان حجارباشی

روایت مطبوعات از جزئیات کنگره

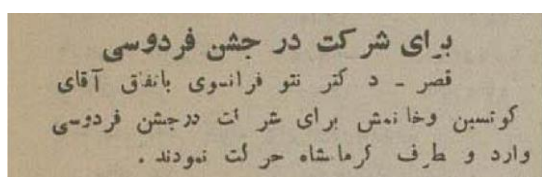
مسئولان دولتی سال‌ها بود که مقدمات ساخت و برگزاری کنگره هزاره فردوسی را تهران و مشهد فراهم کرده بودند؛ از سال ۱۳۰۱ که گروهی برای تشکیل انجمن آثار ملی به مدیریت عبدالحسین تیمورتاش به وجود آمد تا زمان برگزاری و رونمایی از مقبره فردوسی، دوازده سال سپری شد. در ماه‌های منتهی به آغاز کنگره در تهران، مطبوعات ایران اقدام به انتشار اخبار و گزارش‌هایی درباره رویدادهای مرتبط با کنگره کردند. روزنامه «اطلاعات» در شماره ۲۲۷۶ به تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۱۳ خبری با تیتراژ «مقدمات جشن فردوسی» منتشر کرد؛ در این خبر آمده است که در اداره حکومتی سمنان، کمیسیونی مرکب از رؤسای دوایر دولتی و طبقات دیگر تشکیل و در اطراف جشن هزارمین سال تولد فردوسی مذاکرات لازم نموده و پروگرامی در این خصوص برای تهیه مقدمات جشن نوشته شد.



۵۲

آینه پژوهش | ۲۱۷
سال ۳۷ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

نخستین گروهی که برای شرکت در کنگره یک ماه پیش از آغاز این کنگره به ایران وارد شدند، گروه فرانسوی متشکل از دکتر نتو به اتفاق کوتسین و خانمش بودند. روزنامه «اطلاعات» در تاریخ ۱۱ شهریور این خبر را در صفحه ۳ منتشر کرد.



روزنامه «کوشش» به مدیرمسئولی شکرالله خان حسینی صفوی نیز در تاریخ ۱۶ شهریور همین سال خبری درباره آمادگی دستگاه‌های حکومتی برای برگزاری هزاره فردوسی منتشر کرد: «چون در مهرماه جشن هزارمین سال میلاد حکیم ابوالقاسم فردوسی در طهران و بعد در مشهد و سایر ولایات منعقد خواهد شد، انجمن آثار ملی شروع به تهیه مقدمات جشن مزبور نموده. مستشرقین هم که قبول دعوت نموده‌اند، تا دهم مهرماه به طهران وارد خواهند شد و پس از چند روز توقف و شرکت در جشن‌های مرکز به طرف مشهد رهسپار می‌شوند».

عزیمت مستشرقین

چون در مهر ماه جشن هزارمین سال میلاد حکیم ابوالقاسم فردوسی در طهران و بعد در مشهد و سایر ولایات منعقد خواهد شد انجمن آثار ملی شروع به تهیه مقدمات جشن مزبور نموده مستشرقین هم که قبول دعوت نموده اند تا دهم مهرماه بطهران وارد خواهند شد و پس از چند روز توقف و شرکت در جشنهای مرکز بطرف مشهد رهسپار میشوند

همین روزنامه در روز ۱۸ شهریور، گزارشی کوتاه با تیتراژ «مقدمات جشن فردوسی» منتشر کرد و محتوای آن درباره برگزاری جلسه انجمن آثار ملی در عصر روز پنجشنبه ۲۲ شهریور متشکل از وزیر داخله، جم، آقای حکمت کفیل وزارت معارف، آقای فرزین، حکیم الملک، ارباب کیخسرو شاهرخ و اعضای انجمن در عمارت دانشسرای امیرکبیر (دارالفنون) بود. در این خبر آمده است: «از قرار معلوم روز پنجشنبه ۱۲ مهرماه اولین جلسه کنگره با حضور جمعی از ارباب فضل و هنر و مستشرقین خارجی در دانشسرای مزبور منعقد می‌گردد... و پس از خاتمه مراسم جشن در طهران، روز سه‌شنبه ۱۷ مهرماه آقایان مدعوین برای حضور در مراسم جشن طوس از طهران حرکت خواهند نمود و روز ۲۰ مهر جشن مفصلی در طوس به عمل خواهد آمد».

از آنجاکه قرار بود این جشن‌ها افزون بر تهران و مشهد، در همه شهرهای کشور برگزار شود، این

در داخله

مقدمات جشن فردوسی
بطوریکه خوانندگان محترم مطلع شده اند مراسم هزارمین سال تولد حکیم ابوالقاسم فردوسی در مهر ماه بعمل خواهد آمد برای تهیه مقدمات تشریفات لازمه جشن مزبور عصر روز ۵ شنبه جلسه انجمن آثار ملی با حضور آقای جم وزیر داخله - آقای حکمت کفیل وزارت معارف آقای فرزین - آقای حکیم الملک - آقای ارباب کیخسرو شاهرخ و اعضاء انجمن در عمارت دانشسرای امیرکبیر (دارالفنون) منعقد شده و برای انعقاد کنگره و دعوت فضلا و دانشمندان مذاکرات لازمه بعمل آمده است

از قرار معلوم روز پنجشنبه ۱۲ مهرماه اولین جلسه کنگره با حضور جمعی از ارباب فضل و هنر و مستشرقین خارجی در دانشسرای مزبور منعقد میگردد و جشن هائی در وزارت معارف و مهمانخانه بلده و سایر نقاط به عمل خواهد آمد

و پس از خاتمه مراسم جشن در طهران روز سه‌شنبه ۱۷ مهرماه آقایان مدعوین و مستشرقین برای حضور در مراسم جشن طوس از طهران حرکت خواهند نمود و روز ۲۰ مهر ماه جشن مفصلی در طوس بعمل خواهد آمد

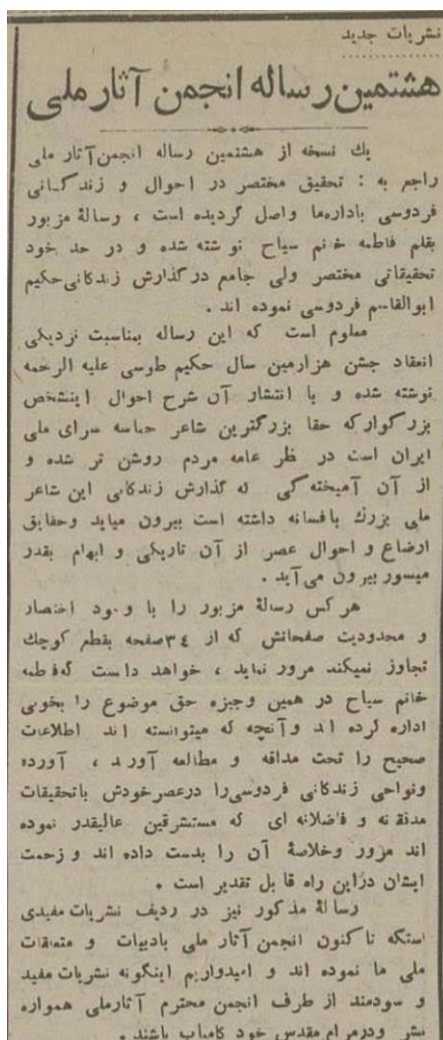
ورود مستشرقین

نظر باینکه تقریباً هشتاد نفر از مستشرقین خارجی برای حضور در هزارمین سال بقرار فردوسی دعوت شده و قبول دعوت نموده و بطرف ایران حرکت نموده اند وسایل پذیرائی از طرف انجمن آثار ملی فراهم وعده هم به طهران وارد شده اند

روزنامه در شماره‌های بعدی پیش از برگزاری کنگره خبرهایی درباره آمادگی دیگر شهرها برای برگزاری جشن‌های هزاره فردوسی منتشر کرد؛ همچنین در روزهای برگزاری کنگره، شرح جلسات کنگره را به گونه‌ای منظم درج کرد.

منشورات انجمن آثار ملی پیش از آغاز کنگره

از مدت‌ها پیش از برگزاری کنگره، انجمن آثار ملی تصمیم گرفت رساله‌های کوتاهی در شناخت فردوسی به قلم فرهیختگان مختلفی منتشر کند؛ بر همین اساس انجمن از برخی دانشمندان خواست رساله‌هایی در این باره بنویسند. روزنامه «اطلاعات» در تاریخ ۱۵ شهریور، خبر انتشار هشتمین رساله درباره «شناخت احوال و روزگار فردوسی» را منتشر کرد. این رساله به قلم فاطمه سیاح - بانوی فرهیخته معاصر - نوشته شده بود. در این خبر آمده است: «یک نسخه از هشتمین رساله انجمن آثار ملی راجع به تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی به اداره ما واصل گردیده است. رساله مزبور به قلم فاطمه خانم سیاح نوشته شده و در حد خود تحقیقاتی مختصر ولی جامع در گزارش زندگانی حکیم ابوالقاسم فردوسی نموده‌اند. معلوم است که این رساله به مناسبت نزدیکی انعقاد جشن هزارمین سال حکیم طوسی علیه الرحمه نوشته شده و با انتشار آن شرح احوال این شخص بزرگوار که حقا بزرگترین شاعر حماسه سرای ملی ایران است در نظر عامه مردم روشن تر شده و از آن آمیخته‌گی که گزارش زندگانی این شاعر ملی بزرگ با فسانه داشته است بیرون می‌آید و اوضاع و احوال عصر از آن تاریکی و ابهام بقدر میسور بیرون می‌آید. هر کس رساله مزبور را با وود انحصار و محدودیت صفحاتش که از ۳۴ صفحه بظلم کوچک تجاوز نمیکنند مرور نماید، خواهد داشت که فاطمه خانم سیاح در همین وجیزه حق موضوع را بخوبی اداره کرده‌اند و آنچه که میتوانسته‌اند اطلاعات صحیح را تحت مذاقه و مطالعه آورد، آورده و نواحی زندگانی فردوسی را در عصر خودش با تحقیقات مدققه و فاضلانه‌ای که مستشرقین عالیقدر نموده‌اند مزور و خلاصه آن را بدست داده‌اند و زحمت ایشان در این راه قابل تقدیر است. رساله مذکور نیز در ردیف نشریات مفیدی است که تاکنون انجمن آثار ملی بادیات و متهافت ملی ما نموده‌اند و امیدواریم اینگونه نشریات مفید و سودمند از طرف انجمن محترم آثار ملی همواره نشر و درمقام مقدس خود کامیاب باشند».



جشن‌های فردوسی در خارج از کشور

افزون بر جشن‌هایی که داخل ایران به مناسبت هزاره فردوسی برگزار می‌شد، در برخی از کشورهای خارجی نیز این جشن‌ها برگزار شد. روزنامه «اطلاعات» در ۲۸ شهریور ۱۳۱۳ گزارشی درباره جشن فردوسی در اتحاد جماهیر شوروی منتشر کرد؛ این جشن در لنینگراد و مسکو با حضور جمعی از ایران‌شناسان برجسته آن خطه برگزار شد. این روزنامه برگزاری این جشن‌ها را نشانه دوستی و رمز مودت دو ملت و علامت دیگری از وجود رابطه علمی و ادبی بین دو مملکت شاهنشاهی ایران و روسیه (شوروی) می‌دانست؛ همچنین در ادامه اشاره می‌کند که حکمای بزرگ، شعرای عالی مقام و نویسندگانی که در عالم ادب رفعت مقامی بسزا دارند، نمی‌شود گفت که مختص به یک ملت و منسوب به یک مملکت هستند؛ اینها منسوب به عالم انسانیت بوده ... از این نظر فردوسی تنها مال ایران نیست، بلکه مال دنیاست.

در این جشن برخی از دانشمندان و ادبای ایرانی نیز حضور داشتند. این روزنامه چنین آورده است: «... اتحاد جماهیر شوروی برای ابراز صمیمیت و دوستی خود مقدم ایرانیان شرکت‌کننده در جشن فردوسی را در مسکو گرامی شمرده، از آقای سعید نفیسی که از طهران به قصد شرکت در جشن مذکور به مسکو رهسپار گردیدند و همچنین از ایرانیان با فضل و ادب و دوستان اران حکمت و ادبیات را که در اتحاد جماهیر شوروی مقیم بوده‌اند و در جشن مزبور شرکت کرده‌اند، پذیرایی گرم و دوستانه نموده‌اند».

گزارش مفصل جزئیات این جشن را روزنامه «کوشش» در ۲ مهر منتشر کرد. در این گزارش اعضای هیئت‌رئیس و مهمانان داخلی و خارجی معرفی شدند؛ همچنین بخشی از سخنان سخنرانان و تلگراف محمدعلی فروغی درج شده است. متن کامل این گزارش بدین ترتیب است:

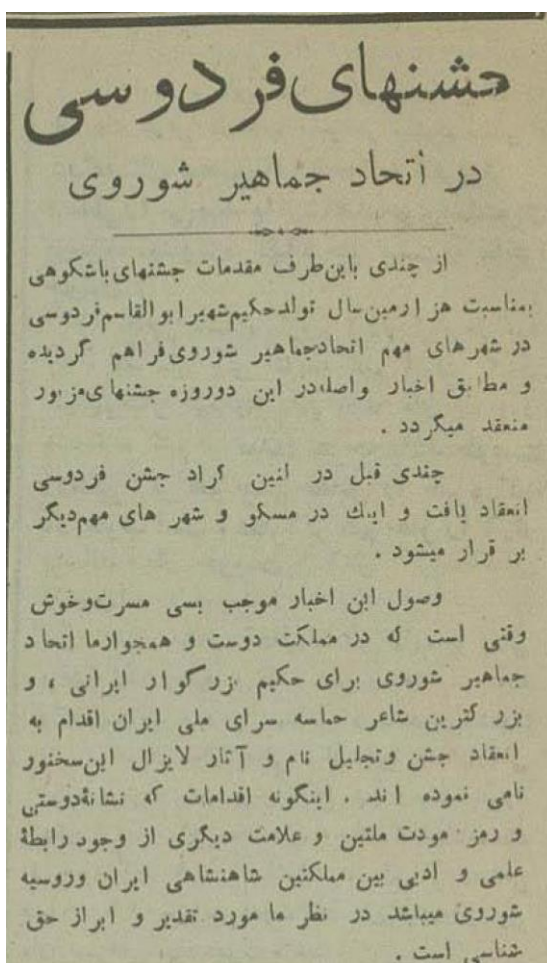
«در مجلس باشکوهی که بیستم سپتامبر (۲۹ شهریور ۱۳۱۳) در عمارت تئاتر بزرگ مسکو به مناسبت جشن هزارمین سال تولد جشن فردوسی شاعر بزرگ ایران منعقد گردید، اعضای هیئت دولت شوروی و هیئت نمایندگان سیاسی خارجه و جمع کثیری از نمایندگان جامعه شوروی حضور به هم رسانیده بودند. مسیو ینوکیدزه رئیس کمیته تشکیلاتی جشن‌های فردوسی در اتحاد شوروی، مجلس را افتتاح کرد. ینوکیدزه منشی کل کمیته اجرائیه مرکزی اتحاد شوروی، ماکسیم گورکی نویسنده معروف شوروی، کریستینکسکی کفیل کمیسری ملی امور خارجه، و تسوکرمان رئیس اداره اول شرقی کمیسری ملی خارجه، ویوب نوف کمیسری ملی معارف، و کاربینسکی ومار از اساتید آکادمی علوم، و سر افیمویچ نویسنده شوروی، و دمیان بدنی شاعر

معروف، و پروفیسور اوربلی و چند نفر دیگر به عضویت هیئت رئیسه مجلس انتخاب شدند. بعد آقای ساعد شارژ دافر (کاردار) دولت شاهنشاهی، آقایان نفیسی و دیبا نمایندگان دولت که برای حضور در جشن‌های فردوسی وارد شده‌اند، در میان کف‌زدن‌های متمادی حضار به عضویت هیئت رئیسه مجلس انتخاب گردیدند.

ینوکیدزه در این مجلس نطقی ایراد و اظهار داشت ما که برای بزرگ‌ترین نابغه‌های گذشته جشن می‌گیریم، نتایج بهترین چیزی را که فکر تمدن بشر در جریان تکامل خود به وجود آورده به دست می‌آوریم؛ زیرا ما که جامعه نوینی بنا می‌نماییم، وارث مستقیم بهترین ترقیات فکر و تمدن بشریت هستیم.

ملل اتحاد شوروی در عرض قرن‌های متمادی تکامل خود همواره علایق و روابط معارفی نزدیکی با ملت ایران داشته و من یقین دارم که جشن هزارمین سال تولد فردوسی مرحله جدیدی در راه توسعه علایق و روابط معارفی بین اتحاد شوروی و ایران واقع شده و موجب خواهد شد که روابط دوستانه که بین ملل اتحاد شوروی و ملت ایران موجود است، بیش از پیش استحکام یابد.

بعد پروفیسور اوربلی خطاب به جالب توجهی راجع به بدایع فردوسی قرائت، سپس آقای ساعد، شارژدافر دولت شاهنشاهی نطقی ایراد و اظهار داشت امیدوار است که جشن‌هایی که به یاد فردوسی در اتحاد جماهیر شوروی برپا می‌گردد



و نیز مسافرت نمایندگان ارباب علم و هنر در شوروی که برای حضور در جشن‌های فردوسی قریباً به ایران عزیمت می‌کنند، بیش از پیش موجباتی فراهم خواهد ساخت که همکاری معارفی و صنعتی نزدیکی بین ملل مملکتین برقرار گردد.

بعد آقایان دیبا و نفیسی بیاناتی ایراد و از توجهی که دولت و جامعه شوروی در حق شاعر ملی ایران ابراز داشته‌اند، اظهار تشکر کردند. از جمله تلگرافات تبریک متعددی که به کمیته جشن فردوسی واصل شده بود، مسیو ینوکیدزه دو فقره از تلگرافات مزبور را که یکی از طرف آکادمی علوم اوکراینی و دیگری از طرف آقای فروغی رئیس الوزراء ایران رسیده بود، قرائت کرد. از طرف مجلس جشن، تلگراف تهنیت‌آمیزی به عنوان آقای فروغی مخابره گردید.

پس از خاتمه قسمت رسمی مجلس کنسرت بزرگی داده شد. در فواصل پرده‌ها نمایشاتی که از طرف بهترین قوای آرتیستی اتحاد شوروی داده می‌شد. اعضای هیئت رئیسه مجلس جشن و مهمانان مزبور نمایشگاهی را که به نام فردوسی در طالار تنفس تئاتر دائر شده بود، تماشا می‌کردند.

تلگرافات متبادله بین آقای فروغی رئیس الوزرای ایران و کمیته تشکیلاتی جشن‌های فردوسی در اتحاد شوروی

مسکو - مطبوعات مسکو تلگراف ذیل را که از طرف کمیته تشکیلاتی جشن‌های فردوسی در اتحاد شوروی به عنوان آقای فروغی رئیس الوزراء ایران فرستاده شده، درج و منتشر کرده‌اند. کمیته تشکیلاتی و مجلس باشکوهی که به مناسبت جشن هزارمین سال تولد فردوسی شاعر بزرگ ایران تشکیل گردید، به توسط جناب اشرف به هیئت دولت شاهنشاهی و ملت ایران تبریک می‌گویند. اثر بدیعی که نبوغ فردوسی به وجود آورده، یکی از مهم‌ترین گنجینه‌هایی است که ملت ایران در امتداد تاریخ چندین قرنه خود در ضمن سایر گنجینه‌های مدنیت تکامل تمدن بشر بخشیده است. ما اطمینان داریم که علاقمندی عظیمی که جشن فردوسی در اتحاد جماهیر شوروی تولید کرده و همکاری ثمربخش علمی و ادبی که بین محافل علمی و ادبی و اجتماعی اتحاد شوروی ایران بر اثر این جشن برقرار شده است، پیشرفت و توسعه عالی‌ترین مرحله همکاری معارفی بین ملتین را که با رشته‌های محکم دوستی دیرین و خلل‌ناپذیر به هم پیوسته‌اند، تأمین خواهد ساخت.

از طرف آقای فروغی تلگرافی به مضمون ذیل بعنوان مسیو ینوکیدزه مخابره شده. تشکرات قلبی دولت شاهنشاهی و انجمن آثار ملی را از این همه احساسات صمیمانه که جامعه شوروی در جشن ملی شاعر ایران شرکت کرده و ابراز نموده است، به دولت اتحاد جماهیر شوروی تبلیغ

نمایید. این واقعه موجب خواهد شد که علایق علمی و ادبی بین مملکتین بیش از پیش استحکام یابد».

پروگرام کنگره فردوسی

کم کم همه مسئولان و ادارات حکومتی خود را برای برگزاری هزاره فردوسی آماده می‌کردند. در ۲۹ شهریور، نامه‌ای از طرف وزارت داخله به رسانه‌های مکتوب ارسال شد و در آن مسئولان و مدیران کنگره معرفی و برنامه‌های کنگره اعلام گردید.

روزنامه «کوشش» محتوای این نامه را در قالب خبری منتشر کرد؛ همچنین روزنامه اطلاعات در همین تاریخ این نامه را نشر نمود. در ابتدای این خبر آمده است: «به طوری که در شماره گذشته اطلاع داده شد، چون مستشرقینی که برای شرکت در جشن افتتاح آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی دعوت شده‌اند، وارد سرحد خواهند شد؛ پروگرامی از طرف وزارت داخله تدوین و آقایان ذیل برای میهمانداری و راهنمایی معرفی شده‌اند».

به دلیل ارزش تاریخی این نامه، محتوای آن که در این روزنامه منتشر شده است را بازنشر می‌کنیم. در ادامه خبر آمده است: «آقای ابتهاج رئیس اداره پرسنل و تبلیغات و جلب سیاحان وزارت داخله مأمور تشریفات و پذیرایی در خط بندر پهلوی و مرکز، آقای هادی رئیس پرسنل اداره احصائیه و سجل احوال به اتفاق آقای میرزامحمدخان دادور مأمور خط خراسان، آقای میرزامحمدعلی خان روشن مأمور خط غرب، آقایان ابتهاج و روشن دیروز حرکت نمودند و آقایان هادی و دادور تا هفته آتیه عزیمت خواهند نمود. مدعومین روز ۷ مهر وارد سرحد خسروی و بندر پهلوی خواهند شد و پس از ورود به تهران، روز ۱۱ مهر را در تهران استراحت و روز پنجشنبه ۱۲ مهر نهار از طرف انجمن آثار ملی و شام از طرف آقای رئیس‌الوزراء در قصر گلستان دعوت خواهند شد. روز جمعه ۱۳ مهر نهار از طرف وزارت داخله و روز شنبه ۱۴ مهر از طرف وزارت خارجه و روز یکشنبه ۱۵ مهر از طرف بلدیة نهار به افتخار مدعومین داده می‌شود. روز دوشنبه ۱۶ مهر وزارت معارف نیز ناهاری به افتخار مدعومین داده و در روزهای مزبور جلسات کنگره تشکیل و کنفرانس‌هایی در سالون مدرسه دارالفنون و سالون معارف داده خواهد شد. دو شب تئاتر و نمایش نیز با حضور مستشرقین داده شده و روز سه‌شنبه ۱۷ مهر از طهران به طرف مشهد عزیمت و نهار را در فیروزکوه صرف، شب در دامغان استراحت، نهار را در زیدر صرف و شب در سبزوار استراحت خواهند نمود. صبح پنج‌شنبه ۱۹ مهر از سبزوار حرکت و پس از زیارت آرامگاه حکیم عمر خیام و صرف نهار در نیشابور وارد مشهد خواهند شد. روز جمعه ۲۰ مهرماه در مشهد افتتاح آرامگاه

فردوسی در شهر طوس از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به عمل خواهد آمد».

در ۲ مهر نیز روزنامه «کوشش» برنامه حضور رضاشاه پهلوی در مشهد را طی خبری درج کرد. در این خبر بیان می‌شود که قرار است رضاخان یک روز برای به سان دیدن قشون نظامی، یک روز در افتتاح بیمارستان آستان قدس رضوی و یک روز هم در جشن و افتتاح آرامگاه فردوسی خواهد رفت. پس از آن نیز سفری به جام، باخرز، فریمان و قوچان خواهد داشت و از آنجا به مرکز باز خواهد گشت.

در ادامه نیز خبری مبنی بر تأسیس شعبه انجمن آثار ملی در مشهد آمده است. در متن خبر اعضای شعبه مشهد نیز معرفی شده‌اند: «برای تشکیل شعبه انجمن آثار ملی در مشهد روز شنبه ۲۴ شهریور کمسیون در دارالایاله تشکیل گردیده. بعد از مذاکرات لازمه، آقای بهرامی والی محترم ایالت خراسان به سمت ریاست، آقای اسدی نیابت تولیت و آقای سرتیب مطبوعی فرمانده لشکر شرق به سمت معاونت و آقای ذوقی رئیس معارف و اوقاف خراسان به سمت منشی‌گری انجمن تعیین شده‌اند. روز سه‌شنبه نیز جلسه دیگری در دبیرستان شاه‌رضا تشکیل داده و قرار شده است کمیسیونی مرکب از چند نفر مطلعین برای تهیه فهرست ابنیه تاریخی و آثار ملی خراسان تعیین بشوند که صورتی از ابنیه و آثار مزبوره با اطلاعات لازمه به انجمن بدهند».

پروگرام جشن هزارمین سال فردوسی بطوریکه در شماره گذشته اطلاع داده شد چون مستشرقینی که برای شرکت در جشن افتتاح آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی دعوت شده اند وارد سرحد خواهند شد پروگرامی از طرف وزارت داخله تدوین و آقایان ذیل برای میهمانداری و راهنمایی معرفی شده‌اند

آقای ابتهاج رئیس اداره پرسنل و تبلیغات و جلب سیاحت وزارت داخله مأمور تشریفات و پذیرائی در خط بندر پهلوی و مرکز

آقای هادی رئیس پرسنل اداره احصائیه و سبج احوال با اتفاق آقای میرزا محمد خان دادور مأمور خط خراسان - آقای میرزا محمد علی خان روشن مأمور خط غرب

آقایان ابتهاج و روشن دیروز حرکت نمودند و آقایان هادی و دادور تا هفته آتی به عزیمت خواهند نمود

مدعوبین روز ۷ مهر وارد سرحد خسروی و بندر پهلوی خواهند شد و پس از ورود به تهران روز ۱۱ مهر را در تهران استراحت و روز ۱۲ شنبه ۱۲ مهر ناهار از طرف انجمن آثار ملی و شام از طرف آقای رئیس الوزرا در قصر گلستان دعوت خواهند شد

روز جمعه ۱۳ مهر ناهار از طرف وزارت داخله و روز شنبه ۱۴ مهر از طرف وزارت خارجه و روز یکشنبه ۱۵ مهر از طرف بلده ناهار بافتخار مدعوبین داده می‌شود

روز دوشنبه ۱۶ مهر وزارت معارف نیز ناهاری بافتخار مدعوبین داده و در روز های مزبور جلسات کنگره تشکیل و کنفرانس‌هایی در سالون مدرسه دارالفنون و سالون معارف داده خواهد شد

دو شب تاتر و نمایش نیز با حضور مستشرقین داده شده و روز سه‌شنبه ۱۷ مهر از طهران بطرف مشهد عزیمت و ناهار رادر فیروزکوه صرف شب در دامغان استراحت ناهار را در زیدر صرف و شب در سبزوار استراحت خواهند نمود

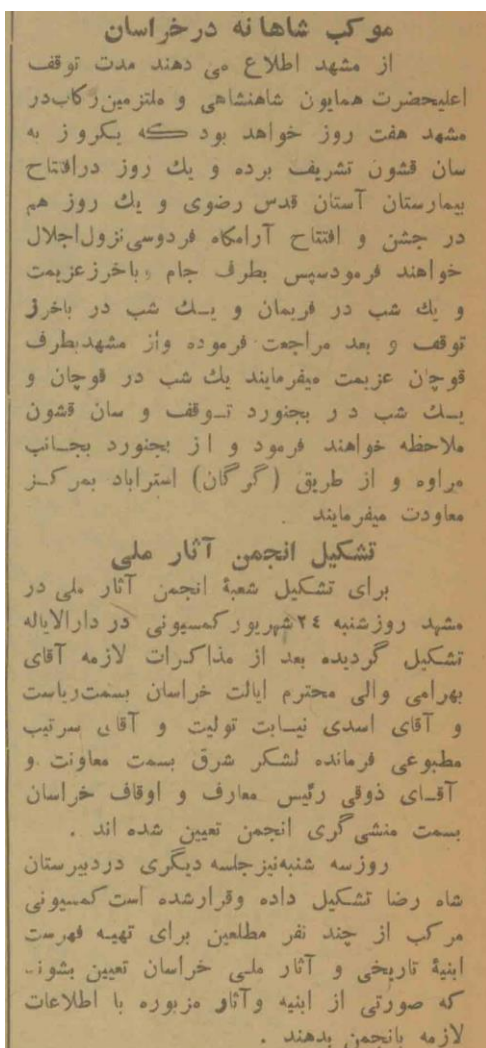
صبح ۵ شنبه ۱۹ مهر از سبزوار حرکت و پس از زیارت آرامگاه حکیم عمر خیام و صرف ناهار در نیشابور وارد مشهد خواهند شد

روز جمعه ۲۰ مهر ماه در مشهد افتتاح آرامگاه فردوسی در شهر طوس از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بعمل خواهد آمد

ورود مدعوین هزاره

در همین تاریخ خبری مبنی بر ورود مستشرقان برای شرکت در هزاره فردوسی و اسامی آنان درج شده است؛ افرادی که قرار بود در هفتم مهرماه از مرز خسروی و پهلوی وارد کشور شوند. در متن خبر اسامی مسترقان نیز بدین ترتیب آمده است:

«عده‌ای از آقایان مستشرقین و فضلالی نامی ممالک خارجه برای شرکت در جشن فردوسی دعوت شده‌اند و قرار است روز ۷ مهرماه از سرحد خسروی (غرب) یا پهلوی (شمال) وارد ایران شوند. اسامی آنها به قرار به شرح است:



پروفسور سپاستیان بیک آلمانی

دکتر ارنست آلمانی

پروفسور دکتر فردریک سار آلمانی با خانمشان

ستر دینسن رس انگلیسی

مسیو آنتنی ناپاکلیارو ایتالیایی

پروفسور آرتور کریستنسن دانمارکی

محمود آقا اقلو آمریکائی

پرفسور مایر آمریکایی

پرفسور کانتر آمریکایی با خانمشان

مسیو برتل شوروی

مسیو روماسکیویچ شوروی

پرفسور ژرژ مار شوروی

پرفسور اربلی شوروی

مسیو یاپازیان شوروی

پرفسور بلتیکوف شوروی

پرفسور فرین شوروی

مسیو کازارف شوروی

پرفسور هانری ماسه فرانسه

دکتر کنتو فرانسوی

مسیو حکیم فرانسوی با خانمشان

مسیو دونان فرانسوی

مسیو فهیم بیک بایراکتاروی یوگوسلاوی
پروفیسور دکتور هرزنی چکواسلواکی
مسیو ریپکا چکواسلواکی با خانمشان
پروفیسور ا. عزام مصری
پروفیسور ا. آبادی مصری
دکتور نظام الدین هندی با خانمشان
پروفیسور حبیب هندی
پروفیسور رضوی هندی
دکتور هادی حسن هندی
بهرام گور هندی با خانمشان
جمشید جم والا پارسی مقیم هند
پروفیسور اسحاق هندی
دستور نوشیروان پارسی مقیم هند
پروفیسور دشیکاوا ژاپونی
آقای پورداد ایرانی
پروفیسور سیریث فرانسوی با خانمشان

عده دیگری از آقایان مستشرقین و فضلا و ادبای ممالک خارجه علاوه بر عده مذکور قرار است وارد شوند. از بین مدعوین فقط آقای دینشاه ایرانی و آقای پروفیسور رزن مستشرق معروف آلمانی به واسطه گرفتاری های شخصی خود با تأسف از عدم حضور در این جشن مهم باشکوه معذرت خواسته اند.

روزنامه «کوشش» در ادامه خبری که در دوم مهر منتشر کرد، در چهارم مهر نیز خبری درباره حضور دانشمندان ایرانی درج کرد که مهمان کنگره هستند. در متن خبر آمده است: «به طوری که قبلاً به اطلاع خوانندگان رسید، روز چهارشنبه ۱۱ مهرماه مستشرقینی که اسامی آنها در دو شماره قبل منتشر شد، به طهران وارد و روز پنجشنبه ۱۲ مهر اولین کنگره تشکیل خواهد شد.

وزارت معارف و وزارت داخله مشغول تهیه پروگرام و تهیه مقدمات می باشند. اوراق و مجله ها راجع به تاریخچه حکیم ابوالقاسم فردوسی و منتخبات و غیره در تحت طبع می باشد که در دسترس اعضای کنگره گذاشته شود. آقایان ملک الشعرا بهار، دکتور رضازاده شفق، رشید یاسمی، سعید نفیسی، نصرالله خان فلسفی، میرزاعباس خان اقبال، بدیع الزمان مینوی در کنگره حضور

خواهند داشت و صبح روز شنبه ۱۲ مهر اولین جلسه با حضور آقای فروغی رئیس الوزراء و آقای وزیر داخله و آقای حکمت کفیل وزارت معارف تشکیل می‌گردد و مطابق پروگرامی که قبلاً از طرف انجمن آثار ملی تنظیم گردیده، مراسم جشن در طهران به عمل خواهد آمد.



از طرف انجمن برای تمام عده مستشرقین اتومبیل‌های سواری تهیه شده است که از سرحد ایران در اختیار میهمان‌ها خواهد بود و کامیون‌های متعدد هم جامه‌دان‌ها و اشیاء را حمل می‌نمایند و روز حرکت از طهران به مشهد که سه‌شنبه هفدهم مهرماه می‌باشد، عده‌ای از محترمین و مطلعین در معیت میهمان‌ها برای میهمان‌داری عزیمت خواهند نمود. در بین راه از تهران تا مشهد همه جا وسایل پذیرایی و استراحت از هر جهت آماده گردیده در اغلب نقاط پوشه‌ای مخصوص افزاشته شده پیش خدمت‌های مخصوص هم خواهد بود که در هر جا مایل باشند استراحت کنند. انجمن آثار ملی در مشهد هم موجبات پذیرایی را فراهم و قبلاً سی‌وهشت نفر از مستشرقین در مهمان‌خانه پارس که از مهمان‌خانه‌های درجه اول می‌باشد، اطاق و لوازم آماده نموده و بقیه مدعوین هم در منزل آقای بصیربیک‌اوف که از هر جهت مجلل می‌باشد، به خرج انجمن آثار ملی پذیرایی می‌شوند. پس از افتتاح آرامگاه فردوسی در طوس که با حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به عمل خواهد آمد، سه میهمانی رسمی از طرف انجمن آثار ملی و یک ناهار از طرف آقای اسدی نایب‌التولیه آستان قدس رضوی و یک سواره از طرف آقای رئیس‌الوزراء داده می‌شود. محل پذیرایی در میهمانی‌های رسمی، کلوپ ایران تعیین گردیده که ساختمان آن متعلق به شیر و خورشید سرخ و از بناهای باشکوه می‌باشد. ترتیب گردش در شهر و بازدید نمایشگاه امتعه وطنی و آثار ملی از طرف آقای دبیر اعظم والی محترم خراسان داده شده و یک روز هم محصلین دبیرستان شاهپور مشهد نمایشات ورزشی خواهند داد».

بین اسامی دانشمندان ایرانی، نام ملک‌الشعرای بهار دیده می‌شود. بهار پیش از آن به دلیل مشکلات سیاسی و مخالفت‌هایش با رضاخان در تبعید بود. وی در ۱۳۰۸، به اتهام مخالفت‌های پنهان با رضاشاه برای چند ماه به زندان افتاد؛ سپس در سال ۱۳۱۲ برای یک سال به اصفهان تبعید شد؛ با این وجود در سال ۱۳۱۳ با وساطت محمدعلی فروغی برای شرکت در جشن‌های هزاره فردوسی به تهران فراخوانده شد.

اخبار ورود مهمانان هزاره

روزنامه‌های «کوشش» و «اطلاعات» در روزهای منتهی به برگزاری هزاره فردوسی، خبرهایی مبنی بر ورود مهمانان به مرزهای ایران منتشر کردند. روزنامه «اطلاعات» در ۹ مهرماه ۱۳۱۳ در دومین صفحه خود خبرهای کوتاهی مبنی بر ورود مهمانان منتشر کرد. همچنین این روزنامه از دهم مهرماه افزون بر خبرهای ورود مهمانان، مهمانان خارجی کنگره را معرفی می‌کرد. معرفی کوتاه دانشمندان و مهمانان کنگره تأثیر مهمی در شناخت مردم از جایگاه و ارزش این کنگره در میان عموم مردم داشت.

روزنامه «کوشش» نیز در ۱۲ مهر و هم‌زمان با روز نخست کنگره، تکتک مهمانان کنگره را با جزئیات معرفی کرد و توضیحاتی کوتاه درباره آنان ارائه داد.

مستشرقین ترک در طهران

دکتر علی نهاد بیک



خوشنود و اظهار شرف می نمود و اظهار می داشت که مدتها بود میل داشتیم ایران را به بینم و خوشبختانه این بهترین موقعی است که موفقیت حاصل نموده‌ام و خوشوقتم که خود را در مملکت خود می‌یابیم زیرا ایران و ترکیه برادر هستند و ما از هر حیث خود را نزد خود احساس می‌کنیم از علاقه خود زبان و ادبیات فارسی شرحی بیان داشته و متذکر شدیم که در دانشکده ادبیات اسلامبول تعلیم زبان و ادبیات فارسی اجباری است و خود آقای پروفیسور محمد فؤاد نیز کتب و جرائد ایران را خوانده و بخوبی درک میکنند.

آقای دکتر علی نهاد بیک یکی دیگر از مستشرقین محترمی است که از ترکیه به ایران وارد شده و در کنگره ادبیات و جشن هزارمین سال فردوسی مشارکت خواهند نمود ایشان در دانشکده ادبیات استانبول معلم ادبیات میباشند فارسی را خوب میدانند و صحبت میکنند علاقه شدیدی به ادبیات ایران ابراز مینمایند. در ضمن مذاکرات خود اظهار نمودند که در دانشکده ادبیات محصلین سدی و حافظ را از حفظ میدانند آقای دکتر علی نهاد بیک نیز از مسافرت خود به ایران فوق العاده راضی و خوشنود بودند.

پروفیسور فؤاد بیک



آقای پروفیسور دکتر کویرلی زاده محمد فؤاد بیک رئیس دانشکده (فانگوتنه) ادبیات در دانشگاه استانبول که از علماء و ادبا مشهور ترکیه و صاحب تالیفات عدیده هستند و سال گذشته هم رساله در باب عمر خیام بزبان فرانسه تحریر نموده برای جامم اوگسford پاکستان فرستاده اند چند روز است برای حضور در کنگره ادبیات و شرکت در مراسم جشنهای سال هزارم تولد فردوسی بطهران ورود نموده اند مشارالیه دارای درجه دکتر افتخاری از اونیورسیتیه (دانشگاه) هیدلبرگ آلمان بوده و عضو افتخاری جمعیت ادبی مجارستان (کوروسی کسوما) و عضو مکاتب آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی و عضو مکاتب آکادمی علوم مجارستان میباشد.

در طی ملاقاتی که از ایشان بعمل آمد اظهار داشتند از راه توروس اکسپرس حرکت کرده و تا ایستگاه تلزویان باره آهن و از آنجا با اتوموبیل به موصل و کرکوک عازم شده و از کرکوک با راه آهن بیفاد و خاقین رسیده و از سرحد ایران بسا اتوموبیل بطهران آمده اند.

آقای فؤاد بیک از مسافرت ایران فوق العاده

علمای اتحاد جماهیر شوروی در جشن فردوسی

شش نفر دانشمند شوروی در کنگره و جشن های فردوسی شرکت کرده اند:

پرفسور فریمان
Freiman



پرفسور الکساندر فریمان سال ۱۸۷۹ در شهر درشو تولد یافته در ادینورسیت پتر سوخ در شمه السنه شرقی تحصیل کرده و پس از فراغت از تحصیل در آن مدرسه سال ۱۹۰۳ به بارانفون «هن» آلمان رفته و در فاکولته فلسفه تحصیل کرده سال ۱۹۰۶ فاکولته مذکور را پایان رسانیده است. فعلا پرفسور فریمان سمت پرفسوری تاریخ و زبان در لنین گراد بتدریس مشغول است و عضو آکادلی جماهیر شوروی میباشد.

پرفسور فریمان تالیفات عمده او بدین شرح ذیل: ۱- پند نامه زردشت که سال ۱۹۰۶ در وین زبان آلمانی بطبع رسیده است. ۲- کتابی راجع به مذهب فردوسی زبان لهستانی که سال ۱۹۰۳ دورشو بطبع رسیده است. ۳- کتاب لغت استن بروسی و آلمانی در سه قسمت که به ترتیب بطبع رسیده است.

پرفسور ژرژ مار
G. Marr



پرفسور ژرژمار در سال ۱۸۹۳ متولد و در ۱۹۱۷ فاکولته علوم و ادبیات شرقی ادینورسیت پتر سوخ را با شا کرده و در دوره آسیای آکادمی اتحاد جماهیر شوروی و در استینوی السنه سیه شرقی مشغول تدریس و انجام وظیفه شده است. پرفسور ژرژمار مدت ۸ سال با پتر سوخ پرفسور مار معروف در محاسبات و کتشافات علمی خرابهای شهر «آنی» که شهرت بسیار دارد کمک کرده است.

پرفسور ژرژمار در زبان و ادبیات ایران چه از لحاظ ادبی و چه از لحاظ اصل و ریشه زبان مطالعات عمیق و تنبیه بسیار کرده و در پایان این تتهات کتابی در تحت عنوان «اصول زبان فارسی» تألیف کرده اند که اثر کتب مهم و جالب توجه میباشد. یکی از مطالعات ادبی مهم پرفسور مار که منتهی به تألیف رساله جالب توجهی شده است انتقادات ایشان نسبت به قسمتی از دیوان خاقانی است.

پرفسور بولوتنیکوف
Bolotnikov



پرفسور الکسیر بولوتنیکوف در سال ۱۸۹۴ در شهر گسترمتولد شده در ۱۹۱۶ دوره ادینورسیت مسکو را پایان رسانیده و فعلا پرفسور ادبیات عالی در روسیه میباشد.

از ۱۹۲۲ به بند بولوتنیکوف به مطالعه و تنبیه در قسمت های تاریخی علمی و ادبیات پرداخته و در این شتم در مدرسه عالی مسکو تدریس میکند و نیز عضو هیئت نویسندگان روس و مدیر روزنامه ادبیات است.

پرفسور بولوتنیکوف تالیفات و تصنیفات در فلسفه و تاریخ ادبیات دارد کتبی راجع به دوره حاضر و عصر جدید شوروی تألیف نموده است - راجع به ایران کتاب مهم و جالب توجهی مربوط به حکم عمر پیام دارد - رسالتی نیز در خصوص فردوسی و آثار مختلفه او تألیف کرده است.

پرفسور اوربلی
Orbli



پرفسور یوسف اوربلی سال ۱۷۸۷ در کونایت متولد و تحصیلات خود را در دارالفنون پتر سوخ در فاکولته السنه شرقی پایان رسانیده و مدت ۱۳ سال است که به تدریس در شهر آنی اشتغال دارند این شهر بستگی و علاقه تاریخی با ادبیات ایران دارد و این ارتباط را کتابها و تالیفات جایگزین دانستند شوروی و دبیرالزمان بخوبی میتوان نشان دهد.

پرفسور اوربلی از ۱۹۰۸ عملیات علمی خود را شروع کرده سال ۱۹۱۴ پرفسور ادینورسیت لنینگراد بوده و در سال مزبور عضو آکادمی علوم شوروی شده از ۱۹۲۰ به عضویت موزه «ارمیتاژ» انتخاب شده و فعلا ریاست موزه مذکور را عهده دار میباشد. یک اقدام مهم پرفسور اوربلی این است که برای اولین دفعه در موزه معروف ارمیتاژ غرفه و تاشگاه مخصوص شرق را تأسیس کرده اند - آثار و تالیفاتی دارند که بیشتر مربوط به ادبیات، تمدن، صنایع طبیعی ایران و قفقاز میباشد - چیزهایی که راجع به ایران نوشته اند بیشتر راجع به دوره ساسانیان است و پژوهشنامه فردوسی از لحاظ تاریخ آن مطالعه و تنبیه کرده اند.

مسیو یو کینی برتلس
BERTELS



مسیو یو کینی برتلس سال ۱۸۸۰ متولد و فاکولته علوم شرقی ادینورسیت پتر سوخ را با پایان رسانیده است از ۱۹۲۰ در دارالفنون شرقی آکادمی علوم شوروی وارد خدمت شده ریاست شمه مخصوص ایران را عهده دار شده است.

مسیو برتلس از همان موقع بتدریس زبان فارسی و تاریخ و ادبیات ایران در ادینورسیت لنینگراد پرداخته است.

مسیو برتلس تالیفات بسیار دارند که تاکنون ۱۲۰ جلد از آن بطبع رسیده است - بیشتر این تالیفات راجع به ادبیات فارسی و شعرا و نویسندگان ایران است - مختار الیه بزبان و ادبیات ایران خصوصا ادبیات جدید خیلی اهمیت میدهد و در یکی از آخرین تالیفات خود که تاریخ ادبیات ایران است در ادبیات امروز بحث واقعی کرده و بسیاری از آثار برجسته ادبی امروز را نشر داده است.

۱- راماسکوویچ
Romasrenitch



۱- راماسکوویچ سال ۱۸۸۰ متولد شده پس از انجام تحصیلات متوسطه به دارالفنون لنینگراد وارد شده در سالته فارسی - عربی و ترکی تحصیل کرده پس از اتمام دوره تحصیلات دارالفنون عمومی وارد دوره تحصیل شده و زبان فارسی و ادبیات ایران را میتوان رشته تخصصی برگزیده و از طرف دارالفنون لنینگراد برای تحصیل و مطالعه در زبان و ادبیات فارسی با زبان آلمانی سه سال به مطالعه و تحصیل مشغول و پس از اتمام به مملکت شوروی بتدریس زبان فارسی در مدرسه عالی لنینگراد مامور میشوند.

مسیو راماسکوویچ مطالعات و تتهات خوبی راجع به ادبیات جدید فارسی دارند کتبی بصورت متن برای تدریس زبان فارسی بروسی تألیف کرده اند و یکدیگر نیز برای زبان فارسی تهیه و بطبع رسانیده است و دیگر از تالیفات ایرانی ایشان مجموعه ای از قصص و افسانه های ایرانی بزبان روسی است.

<p>۲) پروفیسور بولوت نیکوف پروفیسور دارالفنون تاریخ و فلسفہ مسکو - عضو اتحادیہ مصنفین شوروی و مدیر روزنامہ ادبی درمسکو ایشان مطالعاتی راجع بردوسی داشته و مقالات مفصلی در جراید منتشر کرده اند</p> <p>۳) پروفیسور الکساندر فریمان مدرس تاریخ السنہ فارسی و مخصوصاً زبان پہلوی در دارالفنون لنین گراد عضو آکادمی علوم اتحاد جماہیر شوروی ایشان راجع بزبان پہلوی فرهنگی تالیف نموده و طبع کرده اند فارسی را بخوبی حرف میزنند</p> <p>۴) پروفیسور ژرژ مار عضو دارالفنون قفقاز شناس در تفریس کہ نسبت بایران علاقہ کامل داشته دہ سال قبل در ایران بودہ و تابوشہر مسافرت کردہ یکسال دراصفہان بودہ و ماموریت برای جمع آوری اصطلاحات و لغات فارسی داشته اند ۴۲ سال دارند و بزبان فارسی کاملاً آشنا هستند</p> <p>۵ - مینورسکی</p> <p>۶) پروفیسور اوبلی پروفیسور اونیورسٹیہ لنین گراد و عضو دارالعلوم در جماہیر شوروی فارسی را خوب می دانند و نسبت بردوسی مطالعات زیادی داشته مقالاتی نوشته اند</p> <p>۷) پروفیسور و ماسکویچ در دارالعلوم السنہ شرقی لنین گراد زبان فارسی را تدریس میکنند و تقریباً بیچاہ نفر محصل در آنجا بہ تحصیل زبان فارسی اشتغال دارند</p> <p>ایشان چهارمین مرتبہ است کہ بایران آمدہ و سابقاً سہ سال در اصفہان و شیراز و پرد توقف داشته در اصطلاحات زبان های ولایتی تحقیقاتی مینمودہ و زبان فارسی را تکمیل کردہ اند.</p> <p>از آلمان</p> <p>۱) پروفیسور سبائیان بک</p> <p>۱) « ارست فوہل</p> <p>۳) آقای فردریک سار</p> <p>از ہسپانیا</p> <p>ژنرال بارنوسکیویچ</p> <p>از یوگوسلاوی</p> <p>پروفیسور ہیم بیرق دارویچ</p> <p>از چکوسلاوی</p> <p>۱) مسیو ، ب - ہروزنی</p> <p>۲) مسیو ریب کا بافاق خانم محترمہ شان ایشان پروفیسور دار الفنون پراگ پایتخت چک - اسلواکی هستند دارای ۴۸ سال تحصیلاتشانرا در وینہ و اسلامبول تمام کرده در دار الفنون پراگ سمت معنی فارسی و ترکی را دارند</p> <p>از دانمارک</p> <p>پروفیسور ارتور کریستنسن</p> <p>از امریکا</p> <p>۱) پروفیسور محمد آقا اوغلی</p> <p>۲) « فرانکن کوتتر</p> <p>جلسہ اول کنگرہ بطوریکہ در پروگرام منتشرہ جشن درج شدہ روز پنجمینہ ۱۲ مہر (امروز) خواهد بود و پروگرام آن بقرار ذیل است</p> <p>۱) افتتاح کنگرہ از طرف آقای رئیس الوزراء ساعت ۹ صبح</p> <p>۲) غیر مقدم از طرف آقای حکمت کقبل وزارت معارف</p> <p>۳) انتخاب ہیئت رئیہ کنگرہ</p> <p>۴) تفس</p> <p>۵) شروع عملیات کنگرہ بترتیبی کہ ہیئت رئیہ مقرر خواهند داشت</p>	<p>معرفی مستشرقین</p> <p>کہ برای جشن بردوسی بایران آمدہ و عضویت کنگرہ جشن را قبول نمودہ اند</p> <p>از ترکیہ</p> <p>۱) پروفیسور مؤاد بیک کوبریلی زادہ</p> <p>۲) دکتر علی نہاد بیک</p> <p>از افغانستان</p> <p>۱) غلام سرور خان لاسق</p> <p>۲) صلاح الدین خان سلجوقی</p> <p>از عراق</p> <p>۱) جمیل صدقی زہادی</p> <p>۲) احمد حامد صرف</p> <p>از فلسطین</p> <p>ل . آ . مایر</p> <p>از مصر</p> <p>۱) عبدالوہاب عزام</p> <p>۲) عبدالحمید عبادی</p> <p>از ژاپن</p> <p>آندوچی آشیکاگا</p> <p>از ہند</p> <p>۱) بہرام گور تھمورت انگلساریا</p> <p>۲) دینشاہ ایرانی</p> <p>۳) پروفیسور محمد اسحق</p> <p>۴) پروفیسور ہادی حسن</p> <p>۵) پروفیسور محمد حبیب</p> <p>۶- پروفیسور نظام الدین بافاق خان محترمہ شان از حیدرآباد دکن قبول دعوت نمودہ اند دارای ۳۷ سال و در اونیورسٹیہ السنہ شرقی بودہ تالیفات زیادہ داشته و زبان فارسی را بخوبی حرف میزنند</p> <p>۷- نوشیروان یارسی</p> <p>۸- پروفیسور محمد ظہیر رضوی بافاق خان محترمہ شان ازراہ زاهدان مسافرت نمودہ و راجع بنمندن قدیم ایران کتابی بزبان انگلیسی تالیف نمودہ و درکنگنہ درپرزیدنی کالج هستند سن ایشان ۳۰ سال و فارسی را بخوبی تکلم می کنند</p> <p>و نیز آقای میر عبدالکریم حسینی نمایندہ حکومت حیدر آباد دکن برای شرکت در جشن بردوسی و ابراز علاقہ بایران وارد و در کراندھتل منزل نمودہ نمونہ حر و فوات سری بیستعلیق را ہم کہ در حیدرآباد دکن تہیہ شدہ است و کتاب ہائیکہ راجع بردوسی چاپ شدہ ہمراہ آورده اند</p> <p>۹ - ج . م . انولا</p> <p>از فرانسه</p> <p>۱) مسیو کنتو</p> <p>۲) مسیو ہاکن</p> <p>۳) مسیو ہاتری ماسہ</p> <p>از انگلیس</p> <p>۱) ستر جون دونک واتر</p> <p>۲) سیر دینسن رس</p> <p>از ایتالیا</p> <p>پروفیسور باکیارد</p> <p>از روسیہ</p> <p>۱) پروفیسور برتیس پروفیسور در دارالفنون لنین گراد در قسمت شرق شناسی ایشان ۴۳ سال دارند فارسی را بخوبی حرف میزنند در دارالفنون شرقی راست ککابیہ شعبہ ایران را عہدہ دار می باشند .</p>
--	---

آغاز کنگره هزاره فردوسی

بالاخره پس از گذشت ماه‌ها، مراسم افتتاحیه کنگره هزاره فردوسی در تاریخ ۱۲ مهرماه ۱۳۱۳ آغاز به کار کرد. نخستین سخنرانی کنگره را محمدعلی فروغی رئیس‌الوزرا ایراد کرد. او ابتدا به همه مهمانان خارجی و داخلی خوش‌آمد گفت و افتتاح کنگره را اعلام کرد. در ادامه فروغی از علی اصغر حکمت، وزیر معارف خواست تا برای سخنرانی به پشت تریبون بیاید. حکمت نیز به زبان فرانسه سخنرانی کرد و نکاتی درباره این کنگره گفت. او سخنرانی خود را چنین آغاز کرد: «جای بسی مسرت است که امروز در این محفل نمایندگان ذوق و علم و فضل ممالک مختلفه فراهم آمده و با هم وطنان فردوسی در جشن میلاد او شرکت جسته‌اند. دولت و ملت ایران از ابراز علاقه و اظهار محبت ذوات محترمی که راه‌های دور پیموده و کشور فردوسی را به قدم خود مزین ساخته‌اند، سپاسگزار است و این بنده وظیفه خود می‌دانم که از جانب همه علاقمندان به علم و ادب تبریک ورود عرض کرده مراتب تشکر آنان را تبلیغ و تقدیم نمایم. اجتماع این عده از دانشمندان معظم که علی‌الظاهر پرورده آب و هوا و مقتضیات مختلف هستند، برای تجلیل شاعر بزرگ ایران دلیلی قاطع است بر این قول که گفته‌اند علم و ادب را وطن معینی نیست، از هر جا که پرتو آن موهبت الهی درخشیدن گرفت، نفوس مستعد و ارواح مشتاق پروانه‌وار به جانب آن روی آورده خود را در آن آئینه مشترک می‌بینند و می‌گویند:

متحد بودیم و یک گوهر همه/ بی‌تن و بی‌سر بدیم آن سر همه
یک گهر بودیم همچون آفتاب/ بی‌کره بودیم و صافی همچو آب
چون به صورت آمد آن نور سره/ شد عدد چون سایه‌های کنگره».

در ادامه فروغی دوباره سخن را آغاز کرد و از حاضران خواست رئیس کنگره و اعضای هیئت‌رئیس مرکب از یک رئیس، دو نایب‌رئیس و دو منشی را انتخاب کنند. آقای اورنگ که یکی از مستشرقان بود، پیشنهاد داد محتشم‌السلطنه اسفندیاری به سمت ریاست کنگره انتخاب شود. فروغی نیز از همه خواست تا رأی خود را آشکارا اعلام کنند. رأی‌گیری انجام شد و محتشم‌السلطنه به ریاست کنگره هزاره فردوسی انتخاب شد. در ادامه نیز با پیشنهاد دانشمندان حاضر، باقی‌مانده اعضا انتخاب شدند. ترکیب هیئت‌رئیس بدین ترتیب بود:

رئیس: محتشم‌السلطنه اسفندیاری؛ نایب‌رئیس: پروفیسور کریستین سن دانمارکی؛ منشی اول: هانری ماسه فرانسوی؛ منشی دوم: عبدالوهاب عزام مصری.

سال نهم شماره ۲۳۰۰

جریان امروز

اولین جلسه کنگره فردوسی

افتتاح جلسه بوسیله آقای رئیس الوزراء - نطق آقای حکمت کفیل وزارت معارف - انتخاب هیئت رئیسه - قرائت تلگرافات تبریک - تهنیت و تشکر هیئت نمایندگان - نطق آقایان اعضاء



در کراور بالا آقای رئیس الوزراء بنطق افتتاحیه کنگره خاتمه داده و در مقابل تریبون قرار گرفته اند آقای حکمت کفیل وزارت معارف با براد نطق خویش مشغول میباشند کراور باین منظره سالون بزرگ کنگره را نشان میدهد مستشرقین علماء و دانشمندان خارجی که در کنگره شرکت نموده اند وهمچنین رجال وفضای ایرانی در این کراور دیده میشوند .

ساعت نه ویک ربع قبل از ظهر امروز کنگره فردوسی در سالن جدید دارالفنون منعقد گردید و از طرف آقای فروغی رئیس الوزراء مراسم افتتاح آن بعمل آمد . از سماعت ونیم قبل ازظهر آقایان مستشرقین وفضلاء ودانشمندان مدعو از ممالک خارجه کوردیلماتیک ، اعیان وعده ای ازفضلاء ودانشمندان که عضویت کنگره انتخاب شده اند ومدیران جراید وجهمی از اساتید ورجال فاضل وعده از رؤسای ادارات در سالن جدید دارالفنون حضور بهم رسانده بودند .

۶۸

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

یک ساعت مانده به ظهر، رئیس کنگره سخنرانی خود را آغاز کرد. او پس از تشکر از همه حاضران و دانشمندانی که برای برگزاری این کنگره به ایران آمده‌اند، برخی از تلگراف‌ها و نامه‌های رسیده به مناسبت برگزاری کنگره را خواند.

در ادامه هنری ماسه برخاست و به زبان فرانسه اظهار خوشوقتی از حضور در کنگره فردوسی کرد و اظهار داشت که من از جانب وزیر معارف فرانسه و انجمن السنه شرقیه این جشن بزرگ را تبریک می‌گویم. پس از آن آقای پرفسور مار عضو هیئت نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی اجازه خواست و پشت میز خطابه رفت و چنین سخن گفت: «از آقایان محترم، از حضار محترم اجازه می‌خواهم که از طرف آکادمی علمی اتحاد جماهیر شوروی و از جانب هیئت نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی انعقاد این مجلس محتشم را تبریک بگویم. جشنی که امروز در سرتاسر مملکت ایران منعقد گردید، جشن فردوسی نیست، بلکه جشنی است که ملت ایران به نام فردوسی تشکیل داده و فی الواقع جشن تجدید دوره حیات علمی و ادبی خود را منعقد نموده است؛ این است که با نهایت صمیمیت به ملت ایران که با قدم‌های بلند و سریع رو به ترقی و تعالی سیر می‌کند، تبریک می‌گویم».

پس از او آقای مینورسکی از هیئت رئیسه اجازه خواست و سخنرانی خود را به زبان فارسی ایراد کرد و گفت: «همان طوری که از روز اول از حق تعالی ندا رسید که "الست بربکم"، همین طور ما هم به دعوتی که از ما شده بود اجابت کردیم. امروز می‌توانم بگویم که در این آسمان پهلوی ستارگان خاک ایران و نزد ستارگان ممالک دیگر و ستارگان آسیا و آمریکا خورشید دیگری می‌بینیم که می‌درخشد. بدبختانه جای یک نفر وجود محترم خالی است؛ این وجود محترم را آقای سردنيس راس تعريف آن را کرده است. این شخص بزرگ آقای میرزاحمدخان قزوینی است؛ این از بزرگ‌ترین علمای ایران است که سمت ریاست از تمام ما دارند. در اینجا می‌خواستیم اسم ایشان را ذکر کنم؛ زیرا که بر ما سمت اولویت دارند. وقتی خواستم از خدمتشان مرخص شوم، مریض بودند و ایشان را در بستر ترك نمودم و می‌خواستیم اگر جسارت نباشد، خواهش کنم که بعد از این ایشان خود را شیخ بنامند و شیخ میرزاحمد قزوینی بنامند».

در ادامه سعید نفیسی پشت تریبون رفت و چنین گفت: «بنده يك وظیفه عمومی و يك وظیفه شخصی دارم؛ وظیفه عمومی بنده این است که از طرف عموم ادبا می‌خواستیم تبریک عرض کنم و بنده که جزء آنها و خدمتگذار هستم از یک عده از آقایان بافضل و دانشی که اسامی آنها را می‌شنیدیم، تشکر کنم که در این جشن حضور یافته‌اند و این موهبت نصیب ما شده که خدمت

ایشان رسیده‌ام. بنده اگر در اینجا بخواهم عرض کنم که چه خدماتی مستشرقین به ادبیات ایران کرده‌اند، خدمات آنها به ادبیات ایران محتاج توضیح نیست. همین قدر می‌خواستم متذکر شوم آقایان در مراجعت با قوه زیادتر در این راه خدمت به ادبیات ایران کار می‌کنند و هرگونه مساعدت معنوی که از ما خواسته باشند، با نهایت میل و شعف به عمل خواهیم آورد».

چند نفر دیگر از مهمانان سخنرانی کوتاهی کردند؛ اما یکی از سخنرانان ویژه این کنگره، جمیل صدقی الزهاوی از عراق بود. او شعری را خواند که به زبان فارسی برای فردوسی سروده بود:

به فردوسی از من سلامی برید/ پس از عرض حرمت پیامی برید
که ای شاعر خفته در زیر خاک/ نهان از نظر دور از جان پاک
نمانده به گورش نشانی از او/ به جز ریزه استخوانی از او
سر از خاک بردار و وانگه ببین/ چه شوری است بهرت به روی زمین



آرتور کریستین سن، هنری ماسه

دومین جلسه کنگره

در ۱۳ مهر دومین جلسه کنگره برگزار شد. در این جلسه که دو ساعت و نیم پیش از ظهر آغاز شد، ابتدا محترم‌السلطنه سخنرانی کوتاهی کرد؛ پس از آن هدایای دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت آلمان عرضه شد. هدایای دولت اتحاد جماهیر شوروی در جعبه‌ای بزرگ قرار داشت که روی آن را پلاک مخصوصی نصب کرده بودند و این عبارت بر روی آن درج شده بود: «بیادگار جشن هزارمین سال تولد فردوسی شاعر بزرگ ملی ایران از طرف دولت جماهیر شوروی به دولت

۷۰

آینه پژوهش | ۲۱۷
سال ۳۷ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

شاهنشاهی ایران برای موزه ملی اهداء گردید مهر ۱۳۱۳». هدایای دولت آلمان در يك سمت و روی میزی جداگانه مجموعه‌ای از کتاب‌های نفیس متعلق به تاریخ، ادبیات و صنایع قدیمه ایران مرکب از پنجاه جلد بود. در مجموعه کتب نفیس مذکور، آنچه قابل توجه بود، فهرست اعلام شاهنامه بود که دکتر فرایتس وولف یکی از ایران‌شناسان معروف آلمانی تهیه کرده بود و متجاوز از بیست سال برای آن زحمت کشیده بود؛ همچنین سه جلد آثار قدیمی و صنعتی ایران و مجموعه‌ای از همه نقشه‌های کوه‌های لرستان که در ضمن سایر کتب گرانبهای دیگر بود. در ادامه سفیر کبیر شوروی و وزیرمختار آلمان نیز سخنرانی‌هایی انجام دادند.

سومین جلسه کنگره

در ۱۵ مهر، روزنامه «اطلاعات» در ادامه گزارش‌های خود از کنگره هزاره فردوسی، وقایع آن روز را چنین توصیف می‌کند: «سومین جلسه کنگره فردوسی دو ساعت و نیم قبل از ظهر روز شنبه در سالن عمارت دارالفنون به ریاست آقای حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری منعقد گردید؛ صورت جلسه قبل توسط آقای پرفسور هانری ماسه قرائت و مورد تصویب واقع شد. در جلسه مزبور چیزی که تازه به نظر می‌رسید، مجموعه جالب توجهی از عکس‌هایی بود که از آثار مکتشفه در نتیجه حفريات جدید در ترکستان به دست آمده و بعضی از خطوط منقوشه در آثار مزبور که عکس آنها را برداشته بودند به زبان سغدی منقوش شده و حکایت از وجود تمدن باستانی ایران در خطه مزبور می‌نمود. عکس‌های مذکور بر روی تابلوی بزرگی قطعاًش نصب گردیده بود و نیز يك نقشه جنگی مرکب از سه قطعه دیده می‌شد که یکی موقع هفت خوان معروف قلعه ارجاسب را که در داستان اسفندیار است و دیگری طرز طلایه‌داری و دیگری موقعیت پیران ویسه و جنگ گودرز را نشان می‌داد که از شاهنامه اقتباس گردیده و بعداً آقای نایب اول در خطابه خود نقشه مذکور را که تهیه نموده بودند، شاهد اثبات گفته‌های خود آوردند».

جان درینک‌واتر، شیفته فردوسی

یکی از مهمانان ویژه این کنگره، ادیب شناخته‌شده و نمایشنامه‌نویس مشهور انگلیسی، جان درینک‌واتر (John Drinkwater) بود. او که دوستی نزدیکی با محمدتقی بهار داشت، از همان روزهای نخست کنگره مرآوده صمیمانه‌ای با او برقرار کرد.



۷۲

آینه پژوهش | ۳۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

روزنامه «اطلاعات» در ۱۴ مهر ۱۳۱۳ معرفی کوتاهی درباره درینک و اثر در صفحه نخست خود منتشر کرد و نوشت: «مستر درینک و اثر در تمام ممالکی که زبان انگلیسی را حرف می‌زند، معروف و حضور ایشان در این جشن دلیل بر آن است که انگلستان یکی از معروف‌ترین نمایندگان ادبی خود را برای احترام به شاعر ملی ما فرستاده است. مستر جان درینک و اثر مقام ارجمندی در نظم داشته و اشعار او در مجموعه‌های مختلف به کرات به طبع رسیده است. بعلاوه مشارالیه یکی از بهترین و زبردست‌ترین درام‌نویس‌های انگلستان است.»



این روزنامه در ادامه معرفی این ادیب انگلیسی می نویسد: «چندین پیسهای او را در حال حاضر در لندن و سایر پایتخت های بزرگ دنیا نمایش می دهند و یکی از معروف ترین پیس های او موسوم به «ابراهام لینکلن» را به عنوان یکی از بهترین نمونه های پیسهای انگلیسی به زودی در شهر وین نمایش خواهند داد. مستر درینک واتر در غالب ممالک معظم دنیا و دارالفنون ها کنفرانس های متعددی راجع به ادبیات انگلیسی داده و یکی از طرفداران جدی صلح و آرامش دنیا است. ایشان از دارالفنون برمینکهام درجه دکترا داشته و در مؤسسه سلطنتی ادبیات استاد شعر بوده و تدریس می نمایند. بعلاوه ریاست انجمن های متعدد ادبی را دارا هستند و از دولت های ایتالیا و یونان دارای نشان می باشند».

جان درینک واتر در سومین جلسه کنگره هزاره فردوسی شعری را خواند که به زبان انگلیسی در رسای

حکیم توس سروده بود.
پس از او و در پایان جلسه،
علی اصغر حکمت کفیل
وزارت معارف پشت
تربیون رفت و گفت: «در
این مجمع که مرکب از
آقایان شرق شناسان و
فضلامی باشد، بعضی از
آقایان هستند که با شاعر
بزرگ فردوسی طوسی
علیه الرحمه هم مسلک
هستند و به زبان شعر
سخن می گویند. یکی آقای
درینک واتر از شعرای نامی
و نویسندگان انگلستان
است که حضور دارند و
دیگر آقای جمیل صدقی
الزهاوی شاعر معروف
عربی زبان می باشند».

اثر طبع آفای ملك الشعراء بهار

ترجمه اشعار درینک واتر

شاعر معروف انگلیسی

که در سومین جلسه کنگره فردوسی قرائت کردند
امروز در پایان جلسه کنگره فردوسی آقای حکمت کفیل وزارت معارف چنین اظهار داشتند
که: «در این مجمع که مرکب از آقایان شرق شناسان و فضلاء میباشد بعضی از آقایان هستند که
با شاعر بزرگ فردوسی طوسی علیه الرحمه هم مسلک هستند و زبان شعر سخن میگویند یکی آقای درینک
واتر از شعراء نامی و نویسندگان استاد انگلستان است که حضور دارند و دیگر آقای جمیل صدقی الزهاوی
شاعر معروف عربی زبان میباشند
از آقای بهار خواهش شد اشعار انگلیسی که آقای درینک واتر سروده اند و در جلسه دیروز
خوانده اند بشعر فارسی ترجمه نمایند، و ایشان ترجمه نموده اند اگر اجازه بدهید خودشان قرائت
خواهند کرد»

آقای ملك الشعراء پشت من خطاب رفته و مقدمتا اظهار داشتند که: آقایان میسوقند اشعار
دولت مختلف است و شعری که ایشان انگلیسی با آن طبع غرا بگوید همان خوبی نمیشود گفت ولی بحکم
ما یجوز که لا یتبرک کله زحمتی کشیده ایم و ترجمه اشعار ایشان را سروده با اجازه آقایان عرض میرساند
و بیس اشعار ذیل را که ترجمه اشعار آقای درینک واتر است قرائت کردند:

۱
بسطظنیه بنا بید ما
بار زید از آن برج های سیاه
ز قرن الذهب (۱) باغت همین گند
مگر بگذرد ز آن مروج بلند
نگارا نگه کن که این نوریاک
دگر بهره از این شب تا بنیاک
بیامی ز من آورد سوی تو
ز روزن در آید بهشتوری تو

۲
ز غوغای مغرب بخت آدم
سوی کشور دانتان ما عدم
ز دار و ده غرب دل بگسارم
مگر بختی آرام گیرد دلتم
تو کا گاهی ای ما- مشکوی من
ز شب زنده دادی نیم برن
زیاد خود ایدر مرا شاد کن
در این راه زودم یکی یاد کن
(۱) شاخه ایست از بوسفور که داخل خشکی میشود
بقیه اشعار در صفحه ۴

باطلاع آقایان تج
شعبه تجار تخرنه برادران
میر حسین غفاری تاسیس و از
نموده کلیه رجوعات آقایان تج
رقم اجناس در مملکت آلمان
اسرع اوقات انجام میدهد
آدرس تلگرافی
URG
آدرس مکتوبی
ADOLPHSBRUCHE 9-11
HAMBURG 11
نمره اعلان ۲۰۷

درینک و اتر اشعار خود را به انگلیسی سروده بود و باید کسی اشعار او را برای حاضران ترجمه می کرد که قرعه این کار به نام ملک الشعراى بهار افتاد؛ همو که در زمان نوشتن نخستین یادداشتش برای مقبره فردوسی قصیده‌ای بلند برای ارج‌گذاری مقام فردوسی سرود.

سخن بزرگ شود، چون درست باشد و راست / کس ار بزرگ شد از گفته بزرگ، رواست
چه جد، چه هزل، درآید به آزمایش کج / هر آن سخن که نه پیوست با معانی راست
شنیده‌ای که به یک بیت، فتنه‌ای بنشست / شنیده‌ای که ز یک شعر، کینه‌ای برخاست
سخن گر از دل دانا نخواست، زیبا نیست / گرش قوافی مطبوع و لفظ‌ها زیباست
کمال هر شعر اندر کمال شاعر اوست / صنیع دانا، انگاره دل داناست

حال پس از گذشت یازده سال در مقام مترجم اشعار شاعر انگلیسی پشت تریبون ایستاد تا اشعار او را ترجمه و برای حاضران قرائت کند. بهار پشت تریبون قرار گرفت و گفت: «آقایان مسبوق اند افکار دول مختلف است و شعری که استاد انگلیسی با آن طبع غرا بگوید، به همان خوبی نمی شود گفت؛ ولی به حکم "ما یدرک لایترک کله"، زحمتی کشیده‌ایم و ترجمه اشعار ایشان را سروده با اجازه آقایان به عرض می‌رساند».

به قسطنطنیه بتابید ماه/ بلرزید از آن برج‌های سیاه
ز قرن‌الذهب ساخت سیمین کمند/ مگر بگذرد زان بروج بلند
نگارا! نگه کن که این نور پاک/ دگر بهره از این شب تابناک
ز غوغای مغرب به تنگ آمدم/ سوی کشور داستان‌ها شدم
ز دار و ده غرب دل بگسلم/ مگر لختی آرام گیرد دلم

همه ابیات این قصیده طولانی در صفحه نخست روزنامه «اطلاعات» به تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۱۳ خورشیدی منتشر شد. در پایان نیز بهار چند بیت در مدح درینک و اتر سرود که در چهارمین صفحه همین روزنامه چاپ شده است.

اما نکته جالب درباره درینک و اتر این است که از روزی که وارد ایران شد، با دوربین شخصی‌اش بسیاری از مکان‌های دیدنی و جاده‌های ایران را عکس برداری کرده است. او با گذر از مسیرها و جاده‌های ایران، تصاویر زیبایی از جای‌جای ایران گرفته بود که در مجموعه شخصی او نگهداری می‌شود. در میان تصاویر او عکس‌هایی از کنگره هزاره فردوسی نیز دیده می‌شود.



جان درینک واتر در کنار ملک الشعراء بهار

۷۵

آینه پژوهش | ۲۱۷
سال ۳۷ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

چهارمین جلسه کنکره

روزنامه «کوشش» در ۱۷ مهرماه، جزئیات چهارمین جلسه هزاره فردوسی را بدین ترتیب گزارش کرده است: «مقارن ساعت شش و نیم بعد از ظهر شنبه ۱۴ مهرماه، جلسه چهارم کنکره فردوسی تحت ریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردیده و برحسب تذکر آقای رئیس کنکره، آقای دکتر صدیق تلگراف تبریک واصله از آکادمی علوم بروس را که توسط سفارت آلمان به عنوان کنکره فردوسی مخبره شده بود، قرائت و بعداً چون آقای ملک الشعراء بهار که نوبت ایراد خطابه از طرف ایشان بود، حضور نیافته بودند، آقای فلسفی خطابه خود را ایراد کردند. خطابه آقای فلسفی هم در زمینه خطابه آقای دکتر عبدالوهاب عزام و مقایسه بین ایلید هومر و شاهنامه فردوسی بوده است. ایشان پس از ذکر این نکته که بین عصر هومر و فردوسی دوهزار سال فاصله وجود داشته، شرحی در باب شخصیت فردوسی که در شاهنامه شخصیت سراینده آن بطور عیان برجسته بوده و شخصیت هومر در ایلید مشاهده نمی شود ابراز و اضافه کردند که بحث اجتماعی و مدنی ایلید محدود و منحصر به بخشی از عقاید قدیم مذهبی و نبرد خدایان است و حال آنکه فردوسی در تمام شئون زندگانی سخن رانده و در هر مقام که وارد شده جامع الاطراف و مدیل

انشاد نموده است. دیگر اینکه منظومه ایلیاد متفرق بوده و معلوم نیست که گوینده منظومه‌های بیست و دوگانه مزبور تنها هومر بوده یا دیگران هم در آن شرکت داشته‌اند. قسمتی از خطابه آقای فلسفی راجع به مقایسه پهلوانان داستان فردوسی و هومر و کیفیت رزم جویی در شاهنامه و ایلیاد بود. بیانات آقای فلسفی مورد توجه و تحسین حضار واقع شد.

در ادامه محمدتقی بهار که پیش از آن اجازه سخنرانی گرفته بود، به پشت تریبون رفت و چنین سخن گفت: «اساتید مغرب تحقیقات کافیه در اطراف فردوسی نموده‌اند و ما چیز تازه نداریم که بدان بیفزاییم. خطابه خود را در زمینه شعر فردوسی و شاعری او در زمان معاصر خودش شروع کرده و جوهر بیانات ایشان این بود در زمان فردوسی در جامعه اسلامی دو فکر اجتماعی که عبارت از طرفداری عرب و جانبداری عجم بود، با یکدیگر در حال مبارزه بوده‌اند و طرفداران عجم را شعوبیه گفته‌اند؛ بسیاری از فضلاء آن عصر چنان در حمایت عرب مبالغه می‌نمودند که صاحب بن عباد می‌گفت می‌خواهم روی خود را در آینه نبینم تا سیمای عجمی بچشم نرسد».

بهار در انتهای سخنرانی خود گفت: «فردوسی بیست سال در زمان سامانیان و پانزده سال در دوره غزنویان به سراییدن شاهنامه مشغول بود، ولی شهرتی نیافت و تا سی‌چهل سال بعد از فوت او نیز حیث شهرتش به آفاق نپیچیده بود، کما اینکه امیر معزی در یکی از قصاید خود به واسطه تباعد اشعار شاهنامه با طرز فکر او از مخالفت گویی خودداری نمی‌نماید. در اواخر قرن پنجم هجری آوازه فردوسی در دوستی در آفاق منعکس شد. بسیاری از شعرا او را مدح کردند و این شهرت توسعه یافت و عقاید عناد مبدل به وفاق و تکریم و تعظیم شد؛ تا آنجا که ابن‌اثیر در قرن ششم هجری شاهنامه را قرآن عجم می‌نامد».

پنجمین جلسه کنگره

روزنامه «کوشش» مشروح پنجمین جلسه کنگره را چنین توصیف می‌کند: «مقارن ساعت نه صبح روز پنج‌شنبه، جلسه پنجم کنگره تحت ریاست آقای اسفندیاری تشکیل و آقای پروفیسور مار نماینده شوروی مبادرت به ایراد خطابه نمودند. آقای پروفیسور مار پشت میز خطابه رفته و خطابه بسیار مطلعانه و عمیقی به زبان فارسی راجع به وزن شعری شاهنامه و اینکه بحر متقارب که وزن اشعار این کتاب باستانی ایران است، مربوط به عرب نبوده و ممکن نیست فردوسی که در تمام اشعار خود مقید بوده است که از کلمات عربی و خارجی احتراز جوید، وزن اشعار خود را از عرب بگیرد و قطعاً این وزن پیش تمام ایرانیان سابقه داشته و گوش آنها به آن آشنا بوده است. آقای پروفیسور مار تحقیقات مهم دیگری هم راجع بشاهنامه نموده و نطق ایشان با کف‌زدن‌های ممتد و تحسین عموم حضار

خاتمه یافت. آقای میرزا عباسخان اقبال آشتیانی پشت میز خطابه رفته و مقاله محققانه جامعی به نقش و نگار داستان‌های ملی ایران ایراد و در ضمن خطابه خود اثبات نمودند که ایرانیان علاوه بر آنکه کتاب‌های داستانی خود را همیشه به نقش و نگار صورت مجلس‌های زیبا و تصویرهای رنگین زینت می‌داده‌اند، در ابنیه و عمارات نیز سرگذشت‌های داستانی را به صورت تصویر نقش کرده و در مقابل چشم تماشاچیان مجسم می‌نمودند.



۷۷

آینه پژوهش | ۲۱۷
سال ۳۷ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

پس از چند دقیقه‌ای تنفس و برداشتن عکس از دانشمندان حاضر در کنگره، دوباره جلسه منعقد شد. آقای گونتر نماینده آمریکا و رئیس موزه شرقی و معماری دارالعلم کلمبیا نطق مفصلی به زبان

فرانسه راجع به تحقیقات و اکتشافات فن معماری و صنعت هندسه ساختمانی در شرق و ایران که بزرگ‌ترین مرکز ایجاد این فن بزرگ بوده، ایراد و خدماتی را که مملکت ایران از حیث فنون صنعتی مملکت معماری به عالم بشریت نموده، گوشزد و تذکر دادند که از دیرزمانی با اجازه دولت ایران ما مشغول تحقیقات و حفريات مفیدی هستیم که از کلیه آنها مجموعه‌های زیبایی تهیه و سعی ما در کشف این آثار است. یک بار دیگر نسبت به فن معماری و صنعت و حیات بشری بتواند مصدر خدمات مهم دیگری بشود. این خطابه مفصل به قدری جالب و جاذب و قابل استفاده بود که از طرف عموم حضار با کمال مسرت و اشتیاق و کف‌زدن‌های ممتد تلقی گردید.

ششمین جلسه کنگره

روزنامه «کوشش» در ۱۸ مهر گزارشی از ششمین جلسه منتشر کرده است: «یکشنبه ۱۵ مهر شش ساعت و نیم بعد از ظهر به ریاست آقای کریستن سن نایب‌رئیس منعقد گردید. آقای پروفیسور اون والا پشت میز خطابه رفته و مشغول قرائت خطابه خود گردیدند. موضوع خطابه ایشان سکه‌های مکشوفه قدیمه راجع به دوره اسلامی و مسکوکات مکتشفه پهلوی و ارتباط این دو آثار قدیمه و استنباط‌هایی که از روی آثار مزبور راجع بتمدن دوره ساسانیان نموده‌اند بود و ضمناً چندین قطعه عکس از شبکه‌های مزبور که به همراه داشتند، به نظر آقایان حضار رساندند و خطابه ایشان با تحسین و ابراز احساسات تقدیرآمیز ختم گردید. در اثنایی که آقای پروفیسور اون مشغول قرائت خطابه خود بودند، آقای اسفندیاری رئیس محترم کنگره در جلسه حضور به هم رسانده و در پایان خطابه مذکور در محل خود جلوس و ناطق مذکور را چنین معرفی نمودند. سپس به آقای اورنگ اجازه داده شد خطابه خود را ایراد کنند. آقای اورنگ پشت میز خطابه رفته، از طرف حضار با کف‌زدن استقبال شدند و چنین آغاز سخن نمودند که برای آن دست خوبی که جهت من زدید، مزده می‌دهم که زیاد مصدع نشوم و آن طوری که خاطر آقایان مستحضر است چه از طرف مهمانان گرامی و دانشمند و چه از طرف آقایان اهل فضل و ادب که در این مجمع حضور دارند، در اطراف حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی علیه‌الرحمه هرچه باید گفته شود صحبت کرده‌اند و پنبه و پشم این موضوع را حلاجی نموده‌اند».

هفتمین جلسه کنگره

روزنامه کوشش در همان روز مشروح اتفاقات هفتمین جلسه را نیز منتشر کرد. در این گزارش آمده است: «ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۶ مهر جلسه هفتم و آخرین جلسه کنگره فردوسی به

ریاست آقای حاجی محتشم السلطنه اسفندیاری تشکیل و تلگراف تبریک واصله از مؤسسات شوروی قرائت و آقای پروفسور هانری ماسه فرانسوی خطابه با روحی راجع به حماسه شاهنامه و سجایای شخصی فردوسی ایراد نمودند که مورد تحسین واقع و آن‌گاه آقای مینورسکی پروفسور روسی مبادرت به نطق نموده و اظهار داشتند که برای کتابی که به افتخار فردوسی تدوین می‌شود، مقاله با عنوان "تأثیر شاهنامه در داستان‌های حماسی" نوشته‌ام. روح مقاله مزبور را که تشریح نمودند، این بود که بخش‌هایی از حماسه از طرف ادبای روسی مثل پوشکین اقتباس شده است. آقای مینورسکی اشاره به نفوذ شاهنامه در ادبیات چرکس و گرجی و سایر ملل قلمرو شوروی نموده و بالاخره با خواندن این شعر می‌خواستند وانمود کنند که فردوسی در لباس ادبی روسیه هم شناخته می‌شود:

دیده خواهیم که باشد شه‌شناس / تا شناسد شاه را در هر لباس

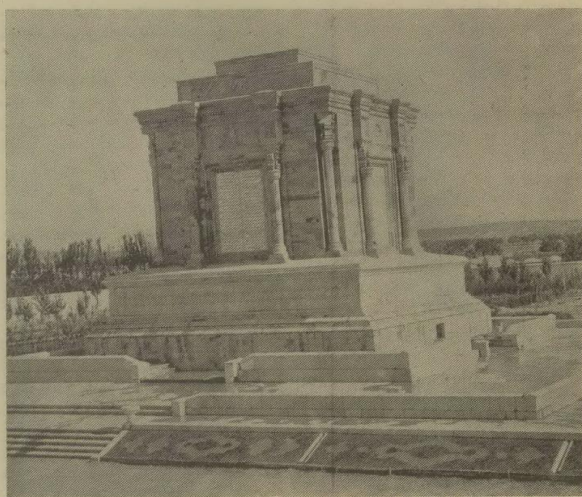
نطق آقای مینورسکی که تمام شد، برحسب اشاره آقای رئیس که از ناطقین ایرانی تقاضا کردند تا آقایان وقت خود را میهمانان دانش‌پژوه واگذار نمایند».

در این جلسه خاتمه سخنرانی‌های کنگره اعلام شد و پس از گرفتن عکس دسته‌جمعی، مراسم رسمی کنگره به پایان رسید.

افتتاح مقبره فردوسی در مشهد

مهمانان کنگره روز ۱۹ مهر عازم مشهد شدند و قرار بود فردای آن روز با حضور رضاخان بنای جدید مقبره فردوسی افتتاح شود. روزنامه‌های آن روز جزئیات این اتفاق را گزارش داده‌اند؛ از جمله در گزارش روزنامه «اطلاعات» به تاریخ ۲۱ مهر آمده است: «دیروز اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه پهلوی آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی علیه‌الرحمه را برای زیارت دلدادگان حکمت و ادب و شیفته‌کان دانش و هنر که از راه‌های دور برای شرکت در جشن هزارمین سال تولد آن حکیم سخنور و شاعر دانشور به این کشور قدم‌رنجه نموده‌اند، افتتاح فرمودند. شهر طوس دیروز زیارتگاه گروهی از فضلا و ادبای شرق و غرب است که تاکنون نام ایران را در تواریخ مال متمدنه قدیم جستجو می‌نمودند و از امروز تتبع و مطالعات خود را در حیات جدید این مملکت باستانی ضمیمه تبعات و تحقیقات پیشین خود نموده و دیباچه و سرآغاز مطالعات تازه خویش را با ذکر نام شاهنشاه مقتدر پهلوی آرایش خواهند داد».

افتتاح آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی



امروز عصر اعلی حضرت همایون شاهنشاهی آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی را در طوس افتتاح می فرماید هیئت مستشرقین و وزراء و نمایندگان مجلس و رجال و محترمین در موقع افتتاح حضور خواهند داشت

در تمام شهرهای ایران از طرف معارف پروهان و سایر طبقات جشن های باشکوهی برپا شده و این ایام از بزرگترین اعیاد ملی و عمومی ایران بشمار می رود که قیمت معارف و مدنیت مشتعش ایرانیان را در آفاق کیتی بحد عالی و بزرگی نمایان ساخته است

در تمام ممالک متمدنه جشن هایی که بید فردوسی برپای شده هنوز دوام دارد و خطابه های جامع دایر بعظمت روح و معرفت این شاعر بزرگ ایرانی ایراد و تمدن ایران مورد تحسین دنیا قرار میگیرد فردوسی بعد از هزار سال زنده و عظمیت و بزرگی را که سزاوار است بدست آورده است ، آرامگاه فردوسی با نهایت زیبایی و جلال

امروز در انظار نمایندگان ممالک لب خند میزند و روح زنده شاعر و معنویت ادبی فردوسی هنر پروران گیتی را خیر مقدم میگویند فردوسی بعد از هزار سال در آسمان علم و ادب و تمدن دنیا طلوع نموده این مہر درخشانی که دهه آقرون در ابر تیره و ظلمانی پنهان بود امروز بر تو شوق و فریحه ادبی او مورد تحسین تمدن قرن بیستم که بحد عالی ترقی رسیده است واقع میشود فردوسی بعد از هزار سال زنده شد ولی این افتخار تاریخی را ایران قدیم و امروز مرهون افکار تابناک و ذات مقدس هنر پرور شاهنشاه ایران و بدر تاجدار میباشد که احیاء

بازارگانان هر سرز بوم
ز ترک و چین و زهند زروم
هر آنکس که از دانش آگاه بود
ز گویندگان بر در شاه بود
آری فردوسی آرزومند بوده است که
بارگاه شاهنشاهی ایران با فر و عظمت آسمانی
آراسته شود، صفا و عدالت شیوه تاجداران
گردد و فردوسی این مطلوب آسمانی را در
دوره زندگانی خود از حقیقت باک و تابناک افکار
ملکوتی می خواست ، او میخواست که امنیت
در سراسر وطن او استقرار داشته باشد ، حقوق
و حدود هموطنان او محفوظ بماند ، آبادی

۸۰

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵



۸۲

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵